



فارسى عمومى ۳



نویسندگان: احمد کولی وندی، علی فاطمی منش،

شهره مختاری، معصومه کرمانی، محمد سعیدنیا

صفحه آرا: سید مصطفی شفیعی







فهرست

درس اول: ادب (۱-۸)

گفتگو: تبریک و تسلیت
بحث آزاد: برخورد با افراد بی ادب
خواندن: چگونه با افراد بی ادب رفتار کنیم؟
بیاموزیم: درخواست مؤدبانه

واژه: تقاضای مؤدبانه
شنیدن: عبارات و اصطلاحات مربوط به درخواست
رسمی و غیررسمی
کار گروهی



درس دوم: دوست خوب (۹-۱۶)

گفتگو: توصیف افراد
بحث آزاد: بهترین دوست شما
خواندن: آیا دوست خوب سلامتی می آورد؟
بیاموزیم: صفت- پسوندهای صفت ساز

واژه: صفات اشخاص
شنیدن: عبارات و اصطلاحات مربوط به توصیف افراد
کار گروهی



درس سوم: مدیریت و برنامه ریزی (۱۷-۲۴)

گفتگو: پرسش و بیان تصمیم
بحث آزاد: برنامه ریزی
خواندن: چگونه پول خود را مدیریت کنیم؟
بیاموزیم: مضارع التزامی

واژه: رخدادهای مهم زندگی
کار گروهی
شنیدن: نقاط عطف زندگی افراد



درس چهارم: پشیمانی (۲۵-۳۲)

گفتگو: پرسش و بیان دلیل تأسف و پشیمانی
بحث آزاد: مقصر کیست؟
خواندن: پشیمانی دیگر سودی ندارد
بیاموزیم: جمله های تأسفی

واژه: تأسف و پشیمانی
شنیدن: تأسف و تکمیل جمله «ای کاش...»
کار گروهی



درس پنجم: امید و آرزو (۳۳-۴۰)

گفتگو: پرسش از آرزو و بیان آن
بحث آزاد: آرزوی شما چیست؟
خواندن: آرزوهای عجیب یک مادر بزرگ ۹۷ ساله
بیاموزیم: جمله های آرزویی

واژه: امید و آرزو
شنیدن: پرسش از مشکلات و پاسخ به آن
کار گروهی



درس ششم: بانک (۴۱-۴۸)

گفتگو: امور بانکی
بحث آزاد: اگر در قرعه کشی بانک برنده شوید چه می کنید؟
خواندن: نکات ایمنی خرید با کارت بانکی
بیاموزیم: حروف ربط

واژه: بانک
کار گروهی
شنیدن: درخواست افراد از کارمند بانک





درس هفتم: تجارت و اقتصاد (۴۹-۵۶)

واژه: تجارت

کار گروهی

شنیدن: ویژگی‌های اقتصاد اسلامی (عبارات و

اصطلاحات مربوط به اقتصاد در اسلام)

گفتگو: دادوستد

بحث آزاد: روش کمک برای آغاز کسب‌وکار

خواندن: عادات‌های مالی غلط در خانواده‌ها

پیاموزیم: نشانه‌های جمع



درس هشتم: اجاره کردن (۵۷-۶۴)

واژه: اجاره

شنیدن: مشخصات خانه‌های اجاره‌ای (نقاط ضعف و

قوت)

گفتگو: پرسش از خانه دلخواه افراد و پاسخ به آن

بحث آزاد: کدام خانه را اجاره کنم؟

خواندن: نکته‌های مهم در اجاره کردن خانه

پیاموزیم: اظهار ناراحتی، افسوس و پشیمانی (ماضی

استمراری)



درس نهم: نگرانی و تردید (۶۵-۷۲)

واژه: نگرانی

شنیدن: بیان نگرانی و پاسخ به آن

کار گروهی

گفتگو: نگرانی و همدردی

بحث آزاد: برای برطرف شدن استرس چه می‌کنید؟

خواندن: نشانه‌هایی از استرس در زندگی روزمره

پیاموزیم: ماضی التزامی (تردید)



درس دهم: قانون و تنبیه (۷۳-۸۰)

واژه: جرم و مجازات

شنیدن: بیان چند قانون برای مسافران و استثنائات هر

یک

کار گروهی

گفتگو: تابلوهای راهنمایی و رانندگی و مفهوم آن‌ها

(مکالمه پلیس با راننده خاطی)

بحث آزاد: صبر یا عجله؟

خواندن: قوانین عجیب‌وغریب در کشورهای مختلف

پیاموزیم: جمله شرطی (شرطی ممکن)



درس یازدهم: منابع انرژی (۸۱-۸۸)

واژه: منابع انرژی مختلف و توضیح آن‌ها

شنیدن: نحوه صرفه‌جویی در مصرف انرژی (برق)

کار گروهی

گفتگو: مکالمه درباره قبض گاز و مبلغ آن و دلیل زیاد

بودن مبلغ آن و راه‌های صرفه‌جویی گاز

بحث آزاد: جریمه یا آموزش احترام به قانون؟

خواندن: روش‌هایی برای صرفه‌جویی آب در خانه

پیاموزیم: جمله شرطی (شرطی ناممکن)



درس دوازدهم: طبیعت و محیط‌زیست (۸۹-۹۶)

واژه: محیط‌زیست، تخریب آن و تفریح

شنیدن: مشکلات طبیعی و دلایل آن

کار گروهی

گفتگو: انواع زباله

بحث آزاد: کتاب‌های کاغذی یا کتاب‌های الکترونیکی؟

خواندن: بطری‌های پلاستیکی در طبیعت

پیاموزیم: ادات استثنا



درس سیزدهم: حیات‌وحش ایران (۹۷-۱۰۴)

واژه: طبقه‌بندی حیوانات و اسامی برخی از آن‌ها و

اعضای مشخص هریک

شنیدن: مشخصات برخی حیوانات و آشنایی با

مشخصات و زیستگاه چند حیوان

کار گروهی

گفتگو: حیوانات ایرانی و دلایل انقراض برخی از آن‌ها

بحث آزاد: کشتن مار ممنوع

خواندن: دو داستان از کلیله‌ودمنه

پیاموزیم: فرایند تکرار

گفتگو: توضیح درباره تمدن و نکات مهم هر تمدن
بحث آزاد: تمدن اسلامی
خواندن: شگفتی‌های شهر سوخته
بیاموزیم: حروف ربط

درس چهاردهم: تمدن‌های بزرگ جهان (۱۰۵-۱۱۲)
واژه: آثار باستانی مهم ایران
شنیدن: نام، محدوده جغرافیایی و... چند تمدن مهم جهان
کار گروهی



گفتگو: مراسم تدفین در ایران و نکاتی درباره فرهنگ
فیلیپین
بحث آزاد: تفاوت فرهنگی و ازدواج
خواندن: فرهنگ مردن
بیاموزیم: فعل لازم، فعل متعدی

درس پانزدهم: تفاوت‌های فرهنگی (۱۱۳-۱۲۰)
واژه: اصطلاحات، غذا و مراسم رایج ایرانی
شنیدن: مقایسه برخی آداب، قوانین و غذاهای دو کشور ژاپن و ترکیه
کار گروهی



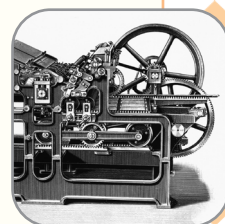
گفتگو: اخبار ایرانی، صحبت درباره یک خبر جالب
بحث آزاد: چه قدر اخبار ببینیم؟
خواندن: پرطرفدارترین وبسایت‌ها در ایران و در دنیا
بیاموزیم: فعل مجهول

درس شانزدهم: اخبار (۱۲۱-۱۲۸)
واژه: انواع اخبار در روزنامه
شنیدن: گونه‌های خبری
کار گروهی



گفتگو: مزیت‌های فن‌آوری
بحث آزاد: پیشرفت علمی و بهتر شدن زندگی
خواندن: اختراع جالب، اختراع خنده‌دار
بیاموزیم: متمم

درس هفدهم: فن‌آوری و اختراعات (۱۲۹-۱۳۶)
واژه: آشنایی با چند اختراع مهم
شنیدن: چهار اختراع و اکتشاف مهم قرن بیستم
کار گروهی



گفتگو: کارهایی که در عید نوروز انجام می‌شود
بحث آزاد: خرافات و جشن
خواندن: مراسم ازدواج در ایران
بیاموزیم: پیشوندها و پسوندها

درس هجدهم: جشن‌ها و عیدها (۱۳۷-۱۴۴)
واژه: برخی آداب و رسوم ایرانیان در برگزاری جشن‌ها
شنیدن: آداب مردم هند، چین و ... در برگزاری برخی مراسم
کار گروهی



گفتگو: عبارات و جملات رایج در بیان جاذبه‌های گردشگری مکان‌های مختلف و مشخصات آن‌ها
بحث آزاد: آب یا آثار باستانی؟
خواندن: مصاحبه‌ای با یک دوچرخه‌سوار ایرلندی
بیاموزیم: جمله

درس نوزدهم: جاذبه‌های گردشگری (۱۴۵-۱۵۲)
واژه: مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری در ایران
شنیدن: جاذبه‌های تفریحی، زیارتی، طبیعی و تاریخی کیش و سرعین. (بازشناسی انواع جاذبه‌های گردشگری از یکدیگر)
کار گروهی



گفتگو: توضیح برخی ارکان شعر، چند بیت از سعدی و معنی آن
بحث آزاد: دوست دارید از زبان فارسی چه استفاده‌ای بپسندید؟
خواندن: داستان طوطی و بقال
بیاموزیم: حرف اضافه مخصوص فعل

درس بیستم: ادب فارسی (۱۵۳-۱۶۰)
واژه: معرفی چند شاعر معروف ایرانی به همراه آثار و زندگی‌نامه آن‌ها
شنیدن: داستان ضحاک و کاوه آهنگر
کار گروهی





پیشگفتار

{ خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْقَبِيَّانَ } (الرحمن، آیه ۳-۴)

(خداوند رحمان...) انسان را آفرید و به او بیان (گفت‌وگو و زبان) آموخت.

زبان فارسی در میان ملت‌های فارسی‌زبان، رکن مهم همگرایی و یکپارچگی آنان است و در سطح بین‌الملل در جایگاه دومین زبان جهان اسلام قرار دارد. این زبان مروج ارزش‌های انسانی، آموزه‌های اسلامی و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. زبان فارسی، حامل مجموعه‌ای گران‌بها از میراث بشری است؛ چراکه بخش چشم‌گیری از موارث کهن بشریت، اعم از فلسفه، دین، علم، اخلاق، عرفان و سیاست به زبان فارسی تولید و به‌وسیله آن منتقل شده است و دست یافتن به این علوم و معارف، بدون آگاهی از این زبان، آسان نیست.

مفاهیم متعالی انسانی، خداشناسی، دینداری، راستی، عدالت و... از مفاهیم پرسامد در زبان فارسی است که در آثار بزرگان علم و ادب فراهم آمده است و دسترسی کامل و شایسته به آن‌ها آن‌گاه میسر خواهد شد که با زبان اصلی، یعنی زبان فارسی در اختیار طالبان و پژوهندگان آن قرار گیرد. زبان فارسی، علاوه بر داشتن دامنه وسیع و ترکیب‌پذیری، زبانی شیرین، جذاب، باظرفیت و قابل‌گسترش است. با ورود اسلام به ایران، استعداد، زبان و اندیشه ایرانی در خدمت اسلام قرار گرفت و ایران به سرعت به میزبانی شایسته برای اسلام تبدیل گشت و نقش بزرگی در تولید فکر و اندیشه نورانی اسلام و بازتولید آن به زبان فارسی ایفا نمود. اسلام از طریق زبان فارسی و فارسی‌زبانان در مناطق مختلف جهان، از جمله چین، شبه‌قاره و آسیای میانه گسترش یافت.

ارتباط و تعامل اسلام و زبان فارسی، با رشد و توسعه حوزه‌های علمیه و تثبیت گفتمان انقلاب اسلامی که برگرفته از اندیشه ناب اسلامی است، محکم‌تر شده و زبان فارسی در ایران، بیشترین نقش را در گسترش و تحکیم اسلام داشت. اکنون زبان فارسی یکی از بهترین حامل‌ها و رسانه‌ها برای معارف، افکار، نوآوری‌ها و تمدن عمیق اسلام شناخته می‌شود و می‌تواند نقش بزرگی در انتقال این معارف به جوامع بشری ایفا کند.

زبان فارسی، زبانی غنی و دارای ویژگی‌های ممتاز است که ظرفیت شایسته‌ای دارد تا در سراسر دنیا به‌عنوان یک زبان زنده و پویا پذیرفته شود. قدمت این زبان و گستره جغرافیایی استفاده از آن در طول تاریخ، بر اهمیت آن می‌افزاید. زبان فارسی با برخورداری از واژگانی غنی و پربار و دایره معانی گسترده، به‌ویژه با تولد واژگان برخاسته از ارزش‌های انقلاب اسلامی و گفتمان اسلام ناب پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، یکی از زبان‌های پرتعداد در سطح جهان شده است. در این میان، ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) جامعة المصطفی العالمیه نهادی حوزوی و بین‌المللی است و فعالیت‌های آن در عرصه‌های گوناگون علمی و آموزشی برکات و تأثیرات فراوانی داشته و دانش‌آموختگان المصطفی ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شبکه علمی گسترده‌ای در جهان ایجاد کرده و گسترش منطق انقلاب، اسلام و اهل‌بیت ^(علیهم‌السلام) از دستاوردهای این مجموعه مبارک به شمار می‌رود و در عرصه آموزش و ترویج زبان فارسی در سطح بین‌الملل نیز نهادی پیش‌رو شناخته می‌شود.

مراکز وابسته به این نهاد مبارک توانسته‌اند با تمرکز و توسعه پذیرش مخاطبان غیرایرانی و استفاده از ظرفیت دانش‌آموختگان، به نوآوری در الگوهای آموزشی دست یابند و پیشرفت چشم‌گیری در انتقال آموزه‌های اخلاقی، حوزوی و گفتمان انقلاب اسلامی در بستر آموزش زبان فارسی را فراهم نمایند.

ورود نهاد حوزوی جامعة المصطفی ^(صلی الله علیه و آله و سلم) العالمیه به عرصه ترویج زبان فارسی در چند دهه اخیر در سطح بین‌الملل، قلمرو گسترده‌ای را در حوزه آموزش زبان فارسی گشوده است و اکنون در بیش از پنجاه کشور دنیا کرسی‌های تدریس زبان فارسی توسط این نهاد فعال است که حاصل آن، تربیت ده‌ها هزار زبان‌آموز از حدود ۱۲۰ کشور دنیا است. از آن‌جا که فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی به‌عنوان مهارت پنجم، پس از مهارت‌های چهارگانه خواندن، نوشتن، صحبت کردن و شنیدن است، در این مجموعه سعی شده تا انتقال ارزش‌های فرهنگی نیز به زبان‌آموزان صورت گیرد؛ لذا رویکردهای فرهنگی و ارزشی در تدوین و تنظیم محتوا، گزینش واژگان و انتخاب تصاویر و نیز توجه به دیدگاه‌های گوناگون روان‌شناسی و زبان‌شناسی، زمینه مناسبی برای مرجعیت کتاب‌های حاضر فراهم آورده است.

ویراست جدید کتاب حاضر که در اختیار مدرسان و دانشجویان زبان فارسی قرار می‌گیرد، با همکاری پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ^(صلی الله علیه و آله و سلم) و دانشگاه مجازی المصطفی ^(صلی الله علیه و آله و سلم) و اهتمام جمعی از اساتید و کارشناسان برجسته انجام پذیرفته و دوره آزمایشی تدریس را گذرانده است. از کلیه اساتید بزرگوار، دانشجویان عزیز و کارشناسان محترم می‌خواهیم با ارائه نظرات و پیشنهادها، خود را در ارتقای کیفی کتاب در ویرایش‌های بعدی سهیم گردانند.

در پایان لازم است از همه اساتید و کارشناسان و مدیرانی که در مراحل مختلف شکل‌گیری این اثر نقش داشته‌اند، به‌ویژه از تلاش وافر مؤلفان محترم، احمد کولیوندی، علی فاطمی منش، شهره مختاری، معصومه کرمانی، محمد سعیدنیا، زهرا کوچکی، محمد مهدی فتاحی، هادی غیبی، مصطفی مهدوی و اشکان مصطفی‌پور و نیز گروه بازرگری و ویراستاران، آقایان حسین حیدری‌مهدب، علی قهرمانی، رسول ملکیان، سید محمد عمادی، علی فاطمی‌منش و سرکار خانم رقیه ابراهیمی‌شهرآباد سپاس‌گزاری کرده و برای ایشان توفیق روزافزون مسئلت کنیم.

حسن رضایی

رئیس پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ^(صلی الله علیه و آله و سلم)

سعید ارجمندفر

رئیس دانشگاه مجازی المصطفی ^(صلی الله علیه و آله و سلم)

مقدمه

در زمان تهیه و تدوین این اثر توجه به چند موضوع الزامی بوده است:

- زبان آموزان مخاطب این کتاب فارسی‌آموزانی هستند که در حال حاضر در ایران حضور ندارند و چندان به محیط واقعی زبان دسترسی ندارند و فرهنگ ایرانی را نیز خوب نمی‌شناسند. البته این بدین معنا نیست که این کتاب برای محیط‌های زبان دوم آموزشی غیرقابل استفاده است، اما نمی‌توان منکر این حقیقت شد که جامعه هدف در زمان تألیف بیشتر زبان‌آموزانی بوده‌اند که فارسی را به عنوان یک زبان خارجی فرا می‌گیرند.

- از آن جایی که کتاب حاضر در اساس برای محیط مجازی تعریف شده است، بیشتر تکالیف و تمرین‌های کتاب به صورت تمرین‌های بسته در نظر گرفته شده که قابلیت تصحیح آن با ماشین برای دانشگاه‌های مجازی نیز ممکن باشد.

- در کتاب پارسا جامعه ایرانی اسلامی به عنوان یک جامعه جهانی در نظر گرفته شده. از همین رو، تلاش شده تا به نکات فرهنگی مشترک در جوامع دیگر نیز نگاهی انداخته شود.

- کارکردهای زبان به خصوص در سطوح پایین بیشتر به مسائل مورد نیاز محدود شده و تلاش شده تا از هر گونه اضافه‌گویی و مواردی که احساس می‌شود نیاز درجه اول زبان‌آموز نیست، پرهیز شود.

به طور عمده در تمامی کتاب‌های نظری تولید محتوا، محتوای آموزش زبان را به دو دسته عمده تقسیم می‌نمایند: محتوای تفکیکی و محتوای تلفیقی. اساس این تقسیم بندی بر مبنای نگاهی است که برنامه درسی مورد نظر در قبال زبان دارد. شیوه‌های تولید محتوای تفکیکی بر این باورند که می‌توان زبان را به بخش‌های کوچکتری تقسیم کرد و با آموزش جداگانه هر بخش مخاطب را قادر ساخت تا زودتر به اهداف مورد نظر و تخصصی خود دست یابد. از سوی دیگر در رویکرد تلفیقی زبان به منزله کلافی در نظر گرفته می‌شود که تفکیک و جداسازی نه تنها عاملی برای تسهیل و تسریع یادگیری آن نیست؛ بلکه در نهایت زبان آموز را در معرض گونه‌ای مصنوعی و غیر واقعی از زبان قرار می‌دهد که هیچ یک از گویشوران بومی زبان به این طریق از آن بهره نمی‌گیرند. مثلاً کمتر دیده می‌شود که فردی از مهارت گفتن، به جز در سخنرانی‌ها و تک‌گویی‌های یک طرفه، به صورت منفک و بدون توجه به سایر مهارت‌ها استفاده نماید. ما معمولاً چیزی را می‌شنویم یا می‌خوانیم و همسوی با آن به بیان یک موضوع می‌پردازیم. حتی در پاره‌ای از موارد آنچه را که می‌گوییم همزمان می‌نویسیم. کتاب آموزش زبان فارسی پارسا در سه سطح مقدماتی، متوسطه و پیشرفته می‌کوشد تا با ارائه زبان فارسی در محیطی واقعی و نزدیک به محیط اجتماعی حاکم بر زبان فارسی در ایران به آموزش این زبان بپردازد.

ساختار کتاب

۱. واژه

گفتگو آشنا می‌شود (پیش‌گفتگو) این داده‌ها می‌توانند واژگانی، دستوری (که در قالب کلیشه و بدون آموزش مستقیم ارائه می‌شود) یا فرهنگی و فرازبانی باشد.

گفتگوها در قالب مدل گفتگو ارائه شد و از زبان آموز انتظار نمی‌رود صرفاً همین گفتگو را حفظ کرده و ارائه دهد. بلکه باید آن را گسترش بدهد و شخصی‌سازی کند.

برای تسهیل فرایند گفتگو و افزودن نکات اضافی توسط زبان آموز زیر هر گفتگو واژه‌های مرتبط دیگری از بخش‌ها و درس‌های گذشته گنجانده شده. اساتید با ترغیب زبان آموز به استفاده از این واژه‌ها هم به مرور درس‌های پیش و هم به گسترش فرایند گفتگوهای دو نفره در کلاس کمک می‌کنند.

۵. بحث آزاد

این بخش در کتاب اول وجود ندارد. هدف از آن افزایش توانایی زبان آموز در نقد و بیان دیدگاه‌های شخصی خودش است. این بخش می‌تواند زبان آموز را از بیان صرف چند کلیشه رها کند. نباید با خواندن و درک مفاهیم اشتباه گرفته شود. خواندن فقط بهانه‌ایست برای گفتن، از همین رو متون این بخش به نسبت بخش خواندن و درک مفاهیم به مراتب ساده تر است.

۶. خواندن

همان شرط که درباره مهارت‌ها درباره شنیدن در نظر گرفته شده در خواندن هم هست. بخش پیش‌خواندن وجود دارد که اهداف عمده‌ای دارد. از جمله: آشنایی زبان آموز با واژه‌های دشوار موجود در متن، آماده‌سازی زبان آموز از نظر ذهنی با موضوع درس، آشنایی با ابعاد جهان‌شناختی و فرازبانی متن، ایجاد انگیزه و سوال برای زبان آموز برای مطالعه متن.

واژه‌های پر بسامد در نظر گرفته شده است. همه واژه‌ها در قالب تسک و با رویکرد شناختی به زبان آموز ارائه شده است.

بلافاصله بعد از واژه‌ها تمرین آمده تا زبان آموز استفاده از واژه‌ها را در محیط واقعی زبان تجربه کند.

برای آموزش از زبان واسط استفاده نشده، در مراحل پایین با استفاده از واژه بوده، در دوره‌های میانی و متوسطه با استفاده از مثال، باهم‌آیی و تعریف واژه‌نامه‌ای بوده است.

۲. شنیدن

در کتاب، نه تنها شنیدن، بلکه مهارت‌های شنیدن در نظر گرفته شده است. در کتاب چون برخی اساتید به آموزش مهارت اعتقاد ندارند، ذکر و آموزش مهارت و یا عدم آموزش مستقیم آن به سلیقه استاد واگذار شده است. خود تکالیف کاملاً بر اساس مهارت‌ها است.

۳. سخنرانی یا کارگروهی

زبان آموز با توجه به موضوعی که مورد بحث است چند دقیقه به صورت تک‌گویی صحبت کند.

او می‌تواند متن گفتاری خود را به تنهایی یا با کمک دیگر دوستانش در کلاس آماده کند برای همین تحت دو عنوان سخنرانی یا کارگروهی ارائه شده که چگونگی اجرای آن، سطح کلاس و سیاست‌های عمومی استاد بستگی دارد.

۴. گفتگو

در کتاب اول دو گفتگو و در کتاب‌های بعدی یک گفتگو آمده است.

گفتگوها یک موقعیت کاربردی در حوزه زبانی است که به زبان آموز واژه‌های آن را آموخته و چگونگی درک مطلب شنیداری آن را نیز در بخش قبل فرا گرفته است.

پیش از ورود به گفتگو زبان آموز با یک نکته عمومی در

در پایان لازم است از همه اساتید گرامی، عابدین سیاحت، مهدی اسلامی، عزالدین رضانژاد، مجید خالق پور، مجید بولحسنی، حامد طهماسبی، رضا کیان نژاد، ابراهیم سامانی، رسول مرجانی، رسول ملکیان و میثم جوادنیا که در ارزیابی شکلی و محتوایی کتاب از مشاوره علمی آن‌ها استفاده کردیم، همچنین از اساتید محترم زهرا کوچکی، محمدمهدی فتاحی، هادی غیبی، مصطفی مهدوی و اشکان مصطفی پور که در تولید گفتگوهای کتاب، ما را یاری نمودند، تشکر کنیم.

احمد کولی‌وندی
علی فاطمی‌منش
محمد سعیدنیا
اردیبهشت ۱۳۹۷

متن‌ها صرفاً یک متن آموزشی نیست. تلاش شده تا زبان آموزان علاوه بر یادگیری زبان فارسی، بر اطلاعات عمومی خودشان بیفزایند و هر چه اطلاعات واقعیت‌تر باشد، به فرایند خواندن در کلاس کمک می‌کند. گفتنی است اطلاعات این متن‌ها می‌تواند برای اساتید فارسی نیز جذاب باشد.

۷. دستور

بسامد موارد دستوری استخراج شده و در کتاب آمده است. دستور آخرین بخش آمده تا از تمرکز بیش از حد بر دستور در زمان گفتن جلوگیری شود. بخشی از این دستورها در کتاب‌های دستور سنتی نبوده و مؤلفین با توجه به توصیفات جدید زبان‌شناسی گاهی دستور را توصیف نموده‌اند.

درس اول

ادب

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. با انواع تقاضای مؤدبانه آشنا شود.
۲. تفاوت گفتگوی مؤدبانه و غیر رسمی را بداند.
۳. بتواند جمله‌های مؤدبانه و غیر رسمی را به یکدیگر تبدیل کند.
۴. بداند که در هر موقعیتی چگونه صحبت کند.
۵. جمله‌های محترمانه را به صورت سؤالی مطرح نماید.

■ واژه‌ها و

اصطلاحات جدید

- عرض کردن،
- تشریف آوردن،
- جبران کردن،
- خدمت رسیدن،
- میل کردن،
- قدم رنجه کردن،
- صفا آوردن،
- چرخ چیزی چرخیدن،
- بقا،
- داد زدن،
- توهین،
- لحن،
- برخورد کردن،
- کم و بیش،
- خونسرد،
- بلافاصله،
- راهکار
- دفعه،
- غریبه.

واژه



تقاضای مؤدبانه (۱)

■ احمد: سلام، می‌شود یک مقدار پول از شما قرض بگیرم؟
 □ سعید: بله، حتماً. بفرمایید.

رسمی ↑
 □ احمد:
 ■ سپاس‌گزارم.
 ■ لطف کردید.
 ■ ممنون از شما.
 ■ ان شاءالله بتوانم جبران کنم.
 ■ دست شما درد نکند.
 ■ قربان دستت.
 ↓ غیر رسمی

تقاضای مؤدبانه (۲)

■ حمید: سلام، می‌شود یک مقدار پول از شما قرض بگیرم؟

رسمی ↑
 □ کریم:
 □ عذرخواهی می‌کنم، پول همراهم نیست.
 □ شرمندهام کیف پول در خانه است.
 □ شرمنده، پول ندارم.
 □ ببخشید، ندارم.
 ↓ غیر رسمی

□ حمید: اشکالی نداره.
 □ مشکلی نیست.

واژه‌های زیر را بشنوید.

رسمی / مؤدبانه	غیر رسمی / دوستانه	رسمی / مؤدبانه	غیر رسمی / دوستانه	رسمی / مؤدبانه	غیر رسمی / دوستانه
ملاحظه کردید	دیدید	میل کردید	خوردید	فرمودید	گفتی
دیدم	دیدم	خوردم / صرف کردم	خوردم	عرض کردم	گفتم
امر کردید / فرمودید	از من خواستی	تشریف بردید	رفتی	تشریف آوردید	آمدی
تقاضا کردم	از تو خواستم	رفتم	رفتم	خدمت رسیدم	آمدم

تمرین

الف) جمله‌های دوستانه زیر را به جمله‌های رسمی و مؤدبانه تبدیل کنید.

رسمی	دوستانه
	۱ همین‌طور که می‌بینید، رئیس امروز نیامده.
	۲ اگر چیزی می‌خوری، بگو.
	۳ قبلاً هم گفتم. من فقط از تو می‌خواهم مؤدب باشی.
	۴ دیروز گفתי این‌ها را دیده‌ای.
	۵ اگر فردا سفر نرفتید، من می‌آیم.

ب) با استفاده از واژه‌های بالا چند جمله دوستانه بسازید و سپس آن‌ها را به جمله‌های رسمی تبدیل کنید.

ج) از اصطلاحات مؤدبانه زیر در چه موقعیت‌هایی استفاده می‌شود؟ (هر سؤال ممکن است بیش از یک پاسخ داشته باشد.)



۲. هنگام سلام کردن

۱. هنگام خرید کردن

۴. هنگام خداحافظی کردن

۳. هنگام دعوت کردن

- الف. اجازه مرخصی می‌دهید؟
- ب. ببخشید وقتتان را گرفتم.
- پ. خوش آمدید. قدم رنجه کردید.
- ت. قابل شما را ندارد.
- ث. خوش آمدید. صفا آوردید.
- ج. تشریف بیاورید. قدمتان روی چشم.

شنیدن



الف) گفتگوها را بشنوید و جدول زیر را کامل کنید.

درخواست را		نوع درخواست		رد می‌کند	می‌پذیرد
رد می‌کند	می‌پذیرد	غیررسمی	رسمی		
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۵	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۶	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۷	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۸	

درخواست را		نوع درخواست		رد می‌کند	می‌پذیرد
رد می‌کند	می‌پذیرد	غیررسمی	رسمی		
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴	

ب) با توجه به متن صفحه بعد، اصطلاحات زیر را کامل کنید. سپس بگویید این اصطلاح برای تشکر است یا برای عذرخواهی؟



<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱. ممنون استاد. لطف
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲. خیلی
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳. دستت
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴. خیلی
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۵. ان شاءالله
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۶. خواهش می‌کنم.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۷. خیلی لطف می‌کنی.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۸. گرفتیم.

کارگروهی



← در فرهنگ فارسی به جز استفاده از واژه‌های مؤدبانه، افراد برای رعایت ادب باید کارهایی را انجام دهند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

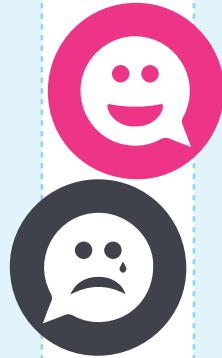
- وقتی انسان محترمی وارد اتاقی می‌شود که شما در آن نشسته‌اید باید برای سلام کردن بایستید.
- وقتی کسی صحبت می‌کند، نباید حرف او را قطع کنید.
- همیشه باید به پدر و مادر احترام بگذارید و با صدای بلند با آن‌ها صحبت نکنید.

؟) آیا این آداب در فرهنگ شما وجود دارد؟ درباره این موضوع در کلاس صحبت کنید.



تسلیت

خدا بیامرزدهش!
خدا رحمتش کند!
خدا صبرتان بدهد!
خدا به شما صبر بدهد!
ان شاء الله بقای عمر شما باشد!
روحشان شاد باشد!



تبریک

مبارک باشد! / تبریک عرض می‌کنم.
چرخش بچرخد! (خرید خودرو)
خدا به شما/بهتان ببخشدش!
ان شاء الله همیشه به شادی و خوشی!
صدسال به این سالها! (سال نو)
قدم نورسیده مبارک! (فرزند)
خدا بچه‌تان را به شما ببخشد! (فرزند)

گفتگو

تسلیت

- علی جان تسلیت عرض می‌کنم؛
خدا همسرتان را رحمت کند.
- خیلی ممنونم؛ خدا رفتگان شما را هم بیامرزد.
- سلامت باشید. خدا بهتان صبر بدهد.
- ممنونم. خیلی لطف کردید، تشریف آوردید.
- خواهش می‌کنم وظیفه است.



تبریک

- سلام حسن جان. قدم نورسیده مبارک!
- سلام آقا رضا. خیلی ممنونم سلامت باشید!
- خیلی خوشحال شدم وقتی شنیدم بچه‌ات
به دنیا آمده!
- لطف دارید خیلی ممنون؛
- حالا دختر است یا پسر؟
- دختر.
- خدا حفظش کند.



- خیلی لطف کردید متشکرم.
- خیلی لطف کردی. ان شاء الله بتوانم جبران کنم.
- قربان دستت خیلی لطف می‌کنی.
- محبت کردید.
- سپاس فراوان.
- دستتان درد نکند.
- خیلی شرمندۀ کردید.

- خدا بیامرزدهش!
- خدا رحمتش کند!
- غم آخرتان باشد!
- خدا صبرتان بدهد!
- ان شاء الله بقای عمر شما باشد!
- روحشان شاد باشد!
- خدا بیامرزدهش!
- بقای عمر شما باشد!

- مبارک باشد! / تبریک عرض می‌کنم.
- چرخش بچرخد!
- خدا حفظش کند.
- ان شاء الله همیشه به شادی و خوشی!
- صدسال به این سالها!
- قدم نورسیده مبارک!
- خدا بچه‌تان را به شما ببخشد!
- خیرش را ببینید.



او تقریباً هر روز با من تماس می‌گیرد و دربارهٔ درس‌هایم با من صحبت می‌کند. ایشان برای درس خواندن هم کلاسی خیلی خوبی است؛ اما در زمان ورزش کردن هم تیمی خیلی خوبی نیست. او در زمین ورزش همیشه سر من فریاد می‌زند و می‌گوید من بازیکن خوبی نیستم و باید بیشتر تمرین کنم. حق با او است. بازی او از من خیلی بهتر است؛ اما دوست ندارم جلوی بقیهٔ بچه‌های تیم سر من داد بزند. این کار او خیلی مرا ناراحت می‌کند. اگر یک روز یکی از دوستان شما با بی‌ادبی با شما صحبت کند، چه کار می‌کنید؟



سلام، اسم من فرامرز است، من ۱۸ سال دارم و در سال سوم دبیرستان تحصیل می‌کنم. من یک دوست خیلی خوب دارم. من و او از بچگی با هم دوست بوده‌ایم. ما همیشه با هم هستیم. با هم درس می‌خوانیم، با هم تفریح می‌کنیم و با هم ورزش می‌کنیم. ایشان خیلی پسر خوبی است. او همیشه در درس‌ها به من کمک می‌کند. مخصوصاً در درس ریاضی که من خیلی ضعیف هستم. همیشه به من می‌گوید ما باید آنقدر تلاش کنیم تا در یکی از دانشگاه‌های خوب ایران قبول شویم و ادامه تحصیل بدهیم.

من با فرید موافقم. ایشان پسر خوبی است و در درس‌ها به تو خیلی کمک می‌کند؛ اما او حق ندارد به تو بی‌احترامی کند. شاید چون تو در درس‌ها به او نیاز داری فکر می‌کند می‌تواند با بی‌ادبی با تو رفتار کند؛ اگر چند هفته با او کمتر صحبت کنی متوجه کار بد خود می‌شود.



به نظر من، او دوست خوبی نیست. درست است که او در درس‌ها به تو کمک می‌کند؛ اما اگر کسی شما را مسخره کند، دیگر دوست شما نیست. به نظر من رابطهٔ خودت را با او قطع کن و اجازه نده به تو توهین و بی‌ادبی کند.

من اگر جای تو باشم خیلی راحت با ایشان صحبت می‌کنم و به او می‌گویم از این رفتار تو در زمین فوتبال ناراحت شدم.

آقا مسعود؛ به نظر من این کار اصلاً درست نیست. شما نباید به کسی توهین کنید. حتی اگر او به شما توهین کند. اگر کسی به من بی‌احترامی کند، من به او احترام می‌گذارم تا او از رفتار خودش شرمند شود و دیگر این کار را تکرار نکند.

به نظر من دوست شما پسر خوبی است و فقط می‌خواهد به شما کمک کند. من اگر جای شما بودم از او تشکر می‌کردم.

سعید جان! من با شما مخالفم. البته درست است که او می‌خواهد به شما کمک کند ولی نباید به شما بی‌احترامی کند.



خواندن



پیش خواندن

چگونه با افراد بی ادب رفتار کنیم؟

استاد، تقریباً نیم ساعت قبل به کلاس آمد و درس جدید را شروع کرد. دانشجویی بدون این که در بزند و یا از استاد اجازه بگیرد، وارد کلاس شد و روی صندلی نشست. چند دقیقه بعد موبایلش را از کیفش درآورد و برای یکی از دوستانش پیامک فرستاد. همه با عادت های بد او آشنا بودند. او بعد از کلاس به یکی از دانشجویها گفت: «چه لباس مسخره ای پوشیده ای!» وقتی دوستش به او گفت: «چرا مسخره می کنی؟» در جواب با لحن بدی گفت: «دوست دارم مسخره کنم.»

متن زیر را با دقت بخوانید.

۱ گاهی اوقات با کسانی برخورد می کنیم که بد صحبت می کنند یا رفتار نادرستی از خود نشان می دهند. به این افراد، «گستاخ» یا بی ادب می گویند. گاهی آن ها از رفتار خود پشیمان می شوند و عذرخواهی می کنند؛ اما بعضی وقت ها نه تنها پشیمان نمی شوند، بلکه رفتار زشت خود را تکرار می کنند. روانشناسان دو راه را برای برخورد با افراد گستاخ پیشنهاد می کنند:

۲ بهترین راه در برخورد با افراد گستاخ این است که **خونسرد** باشید و با آرامش با آن ها برخورد کنید. آرام کردن **فضا** همیشه خوب است. یکی از راه های آرام کردن فضا، گفتن این جمله است: «لطفاً بیا آرام با هم صحبت کنیم!». سعی کنید رابطه دوستانه و محبت آمیز خود را حفظ کنید. به آن فرد فرصت دهید، کمی آرام شده و رفتارش را با شما عوض کند. مراقب باشید هرگز نباید او را عصبانی کنید.

۳ اشتباهی که همه ما انجام می دهیم، این است که در این مرحله **بلافاصله** شروع به توضیح دادن و حرف زدن می کنیم. یا او را در آن لحظه مجبور می کنیم موذّب باشد. بدانید که این کار، باعث بدتر شدن رفتار او خواهد شد. مناسب ترین **راهکار** این است که از آن فضا دور شوید. این یکی از سریع ترین و مطمئن ترین راه های جلوگیری از رفتارهای بی ادبانه است. حتی اگر هنوز مشغول حرف زدن با شما بود، بدون این که کاری کنید یا حرفی بزنید، از او دور شوید. چون آن فرد گستاخ، اگر **غریبه** باشد، شما مجبور نیستید باز هم در آینده او را ببینید؛ اما اگر از دوستان یا همکارانتان باشد، خیلی زود خواهد فهمید که بی ادبی کرده و از کار خود پشیمان می شود.

تمرین

هر یک از جمله های زیر مربوط به کدام بند از متن است.

۱. افراد بی ادب را عصبانی نکنیم.
۲. با فرد بی ادب نباید خیلی صحبت کنیم.
۳. با انسان های بی ادب، باید آرام صحبت کنیم.
۴. رفتار دوستانه با فرد بی ادب، باعث آرامش او می شود.
۵. بعضی وقت ها باید از افراد بی ادب دور شویم.

با توجه به متن درس، معنای واژه‌های زیر را انتخاب کنید.

<input type="radio"/> الف) سریع	<input type="radio"/> ب) ناآشنا	<input type="radio"/> پ) آرام
<input type="radio"/> ت) کم‌وزیاد	<input type="radio"/> ث) راه‌حل	<input type="radio"/> ج) موقعیت
<input type="radio"/> چ) رفتار کردن	<input type="radio"/> ح) مرتبه	

۱) برخورد کردن	۲) کم‌وبیش	۳) خونسرد	۴) راهکار
۵) بلافاصله	۶) غریبه	۷) دفعه	۸) فضا

برای درخواست مؤدبانه از دیگران، چند راه‌حل وجود دارد: 

درخواست مؤدبانه

ب) استفاده از واژه‌های محترمانه در ابتدای جمله

این کتاب را بردار.



لطفاً این کتاب را بردارید.

این واژه‌ها عبارت‌اند از:

لطف می‌کنید	لطف کنید	لطفاً
امکان دارد	آیا ممکن است	می‌شود
	اگر امکان دارد	در صورت امکان

الف) جمع بستن ضمیرها و فعل‌های امر

تو به خانه برو.



شما به خانه بروید.

این کتاب را بردار.



این کتاب را بردارید.

ج) سؤالی کردن جمله

آن کتاب را به من بدهید.



آن کتاب را به من می‌دهید؟

آن کتاب را به من بدهید.



می‌شود/امکان دارد این کتاب را بدهید؟

تمرین 

متن زیر را بخوانید.

پدر گفت. / پدر فرمود.
 شما کجا تشریف داشتید؟ / تو کجا بودی؟
 آن لیوان آب را بده. / لطفاً لیوان آب را به من بده.
 برو داخل اتاق من می‌آیم. / تشریف ببرید داخل اتاق من می‌آیم.
 احمد پنجره را می‌بندی؟ / امکان دارد پنجره را ببندی؟

دانشجویان عزیز، امروز می‌خواهم دربارهٔ جمله‌های عادی و مؤدبانه با شما صحبت کنم. من چند مثال عرض می‌کنم؛ شما بگویید کدام عادی یا محترمانه است؟

الف) ۵ جمله‌های مؤدبانه متن بالا را در جدول بنویسید و بگویید از چه راهی برای مؤدبانه کردن آن‌ها استفاده شده است؟

جمع بستن	سؤالی کردن	واژه رسمی	واژه محترمانه	جمله
.....	۱.
.....	۲.
.....	۳.
.....	۴.
.....	۵.

ب) با توجه به واژه‌های داخل پرانتز جمله‌های زیر را مؤدبانه کنید.
(می‌شود/ امکان دارد/ لطفاً/ لطف کنید/ ببخشید/ اگر امکان دارد/ لطف می‌کنید / در صورت امکان/ آیا ممکن است)

۱	کتاب را روی میز بگذار.
۲	غذایت را بخور.
۳	تلفن را به برادرت بده.
۴	آن لیوان را به من می‌دهی؟
۵	تلویزیون را روشن کن.
۶	آن جمله را دوباره تکرار کن.
۷	صدایت ضعیف است. بلندتر حرف بزن.

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۲

درس دوم

دوست خوب

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. با برخی از صفات افراد آشنا شود.
۲. خصوصیات مثبت و منفی را بداند.
۳. بتواند به خوبی دیگران را توصیف کند.
۴. برخی از پسوندهای صفت‌ساز را بشناسد.
۵. با جایگاه صفت در جمله آشنا شود.
۶. با مفهوم ریشه‌ واژه آشنا شود.

■ واژه‌های جدید

- دلسوز،
- لجباز،
- سقاوتمند،
- عبوس،
- بی‌ملاحظه،
- ولخرج،
- پر جنب و جوش،
- شلخته،
- پرچانه،
- خنگ،
- کودن،
- دست و دل باز،
- نابغه،
- از کوره در رفتن،
- روی کسی حساب کردن،
- همه‌فن‌حریف،
- تو دل برو،
- خرخون،
- آچارفرانسه،
- پابه‌پا،
- خودباوری،
- با چیزی کنار آمدن،
- خوش‌گذرانی،
- متناسب،
- معرض،
- خنده از ته دل.

واژه



صفات زیر را بشنوید.

عصبی	شوخ	بی ادب	دلسوز	لجباز
بی نظم	سخرخیز	باهوش	درس خوان	پرخور
دروغ گو	سخت و تمند	مذهبی	اخمو / عبوس	کم حافظه
راست گو	مهمان نواز	منظم	بی ملاحظه	ولخرج

از صفات بالا کدام یک مثبت و کدام یک منفی است؟ به هر بخش دو صفت اضافه کنید.

۱.	۲.
۳.	۴.
۵.	۶.
۷.	۸.
۹.	۱۰.
۱۱.	۱۲.

تمرین

با توجه به متن، افراد زیر را توصیف کنید.



من اصلاً نمی توانم جُک تعریف کنم. هیچ کس به جک های من نمی خندد؛ اما برادرم خیلی پسر با تمکی است، برای همین وقتی جک می گوید همه می خندند. من او را خیلی دوست دارم. تنها ایراد او این است که کمی بدقول است. گاهی که به کسی قول می دهد، انجام نمی دهد. می گوید فراموش کردم.



منصوره هم اتاقی من است. او باهوش ترین کسی است که من تا به حال دیده ام. هر روز صبح زود از خواب بیدار می شود و مطالعه می کند. او در درس ها خیلی به من کمک می کند. به نظر من منصوره دوست بسیار خوبی است.



دوست محسن یک اخلاق بسیار بد دارد. او ۳۲ سال دارد؛ اما هنوز نتوانسته ازدواج کند؛ چون نمی تواند پولش را پس انداز کند. او همیشه به فکر تفریح است و دوستانش را به رستوران های گران قیمت و حتی سفرهای خارجی می برد.

من و خواهرم خیلی با هم رابطه خوبی نداریم. او چند سال از من کوچک تر است؛ اما اصلاً به من احترام نمی گذارد. او به حرف هیچ کسی گوش نمی دهد. حتی معلم هایش در مدرسه هم از دست او ناراحت هستند.



اسم دختر من نسرین است. او ۱۷ سال دارد و در دبیرستان درس می خواند. نسرین خیلی دختر مهربانی است. چند روز پیش که من در بیمارستان بستری شده بودم او چند شب نخوابید و در کنار من ماند.



همسایه ما همیشه مهمان دارد. این کار او واقعاً من را عصبی می کند؛ چون همیشه مهمان های او ساعت ۳ یا ۴ صبح به خانه می روند. هفته پیش آن قدر عصبانی شدم که می خواستم به پلیس زنگ بزنم و از او شکایت کنم.



تمرین: دور واژه متفاوت خط بکشید.



۱ پرجنب و جوش
پرانرژی
تنبل
فعال

۲ مهربان
اخمو
خوش اخلاق
خونگرم

۳ تمیز
مرتب
شلخته
منظم

۴ اجتماعی
خجالتی
پرچانه
پر حرف

۵ خنگ
باهوش
کودن
کم عقل

شنیدن



(الف) در گفتگوهای زیر افراد درباره هم اتاقی هایشان در خوابگاه دانشگاه صحبت می کنند. به این گفتگوها گوش دهید و جدول زیر را کامل کنید.

کم حافظه	مهمان نواز	بی ملاحظه	سخنراند	درس خوان	سحر خیز	راستگو	عصبی	شوخ	لجبار	دلسوز	منظم	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	زهرا
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سعیده
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	محمد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گلناز

(ب) یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید. آیا گوینده با هم اتاقی اش صمیمی است یا خیر؟ چرا؟

بله	خیر	چون ...
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱. او با زهرا صمیمی است.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲. او با سعیده صمیمی است.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳. او با محمد صمیمی است.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴. او با گلناز صمیمی است.

(ج) یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنای اصطلاحات جدول زیر را حدس بزنید.

۱. مغزش مثل کامپیوتر کار می کند.
۲. این دختر فرشته است.
۳. زود از کوره در می رود.
۴. انگار نه انگار!
۵. غذاهایی درست می کند که انگشت هایت را با آن می خوری.
۶. آن قدر خندیدم که اشکم درآمد.
۷. می توانم روی کمک گلی حساب کنم.
۸. او منظم ترین آدمی است که من در عمرم دیده ام.

کار گروهی



(؟) به یکی از دوستان یا آشنایان خود فکر کنید و بگویید او کدام یک از صفات زیر را دارد؟ واژه های داخل [] عامیانه هستند.

خصوصیات مثبت	خصوصیات منفی
مهربان، خونگرم، خوش اخلاق، دست و دل باز، قابل اعتماد، اجتماعی، صبور، رازدار، فعال و پرانرژی، آرام، باهوش، شوخ، جدی، کم حرف، تمیز، مرتب، باادب	بد اخلاق، زودرنج، اخمو، [خنگ] و کودن، خسیس، [شلخته]، پر حرف و [پرچونه]، بی ملاحظه، بی نظم، لجبار، خودخواه، غیر قابل اعتماد، خجالتی، تنبل، [خرخون]، حسود، [ولخرج]، [شیطون]



واژه‌های مرتبط موجود در هر ستون را به هم وصل کنید.

- | | | |
|---|--|---|
| <ul style="list-style-type: none"> • دوست داشتنی • خوش قول • کسی که هر کاری را می‌تواند انجام دهد • مهربان • باایمان و خداترس | | <ul style="list-style-type: none"> • خوش قلب • روی حرف‌هایش می‌شود حساب کرد • باخدا • آچارفرانسه • تودل‌برو |
|---|--|---|



- احمدرضایی را یادت است؟ هم دانشگاهی مان تو دانشگاه فردوسی مشهد!
- آره! یادم است. پسر خوبی بود. چطور مگر؟
- شنیدم که تازگی‌ها استاد دانشگاه فردوسی شده!
- جداً! چقدر عالی. من خیلی از او خوشم می‌آمد. واقعاً پسر باهوشی بود.
- از این گذشته، خیلی آدم باخدایی بود. هرروز بعد از نماز صبح چند صفحه قرآن می‌خواند؛ بعد می‌رفت سر کلاس.
- خیلی پسر خوبی بود. ان شاءالله که همیشه موفق باشد.
- ان شاءالله!

- آچارفرانسه
- دست‌ودلباز
- تودل‌برو و دوست‌داشتنی
- خنگ و کم‌عقل
- پرچانه و وراج
- خرخون

- باایمان و خداترس
- باادب و بافرهنگ
- بداخلاق و اخمو
- کودن و بی‌استعداد
- شلخته و بی‌نظم
- لجباز و خودخواه
- شوخ و بامزه

- خوش‌قلب و مهربان
- اجتماعی و خونگرم
- صبور و آرام
- رازدار و قابل‌اعتماد
- فعال و پرانرژی
- تمیز و مرتب
- کم‌حرف و خجالتی

بحث آزاد



نام بهترین دوست شما چیست؟
چند ساله است؟ خصوصیات مثبت و منفی او چیست؟



مهناز
۲۷ ساله - از شیراز

میترا بهترین دوست من است. او دانشجوی دکتری تاریخ است و بیشتر روز را مطالعه می‌کند. هر وقت یک کتاب جدید می‌خرد، آن را به من هم قرض می‌دهد. گاهی با هم به موزه می‌رویم و ساعت‌ها درباره موضوعات تاریخی باهم صحبت می‌کنیم. من چیزهای زیادی را از او یاد گرفته‌ام. تنها بدی‌اش این است که زیاد اهل تفریح نیست. همیشه ترجیح می‌دهد در خانه بماند و کتاب بخواند.



مجید
۲۲ ساله - از اصفهان

قاسم دوست خوبی است. او خیلی دست‌ودل‌باز و مهربان است. تقریباً هر هفته همه دوستانش را دعوت می‌کند و در خانه‌اش مهمانی می‌گیرد. تنها ایراد او این است که خیلی بدقول است؛ چون معمولاً شب‌ها تا دیروقت بیدار است، صبح‌ها دیر از خواب بیدار می‌شود و همیشه به کلاس‌ها و قرارهایش دیر می‌رسد.



مهدی
۳۵ ساله - از تهران

ابوالفضل حدوداً ۳۵ ساله است و وضع مالی مناسبی دارد. هر وقت کسی مشکل مالی داشته باشد، او همیشه اولین کسی است که سعی می‌کند این مشکل را حل کند. از این گذشته ابوالفضل خیلی رازدار است، پس همه خیلی راحت درباره مشکلاتشان با او صحبت می‌کنند؛ اما گاهی اوقات به نظر می‌رسد که در زندگی خصوصی شما فضولی می‌کند. مثلاً اگر بخواهید به سفر بروید باید به او بگویید کجا می‌روید؟ با کی می‌روید؟ چرا می‌روید؟ و ...



فریبا
۲۷ ساله - از تهران

سمیه دختر پیرانرزی و فعالی است. او تقریباً هر روز به باشگاه می‌رود و ورزش می‌کند. سیمیه سوارکار خوبی است و چندین سال قهرمان سوارکاری شهر ما بود. او خیلی مؤدب است و به همه، به خصوص پدر و مادرش، احترام می‌گذارد. من و او بیشتر مواقع با هم هستیم برای همین من هم مجبورم بیشتر وقتم را در باشگاه بگذرانم. این تنها مشکل دوستی با سیمیه است.

۱. کدام یک از این چهار نفر برای دوستان خود، دوست بهتری هستند؟
۲. اگر بخواهید کسی را به عنوان دوست خود انتخاب کنید، دوست دارید بیشتر شبیه کدام یک از این افراد باشد؟ چرا؟

خواندن



پیش خواندن



الف) بحث کنید.

ب) تندخوانی:

واژه‌های زیر با کدام یک از واژه‌های رنگی در متن مترادف هستند.

- شما معمولاً چند ساعت از وقت خود را با دوستانتان می‌گذرانید؟

- دوستان شما چطور به شما کمک می‌کنند؟

خنده واقعی : تحمل کردن :

مناسب : بیمار شدن :

آیا دوست خوب، سلامتی می‌آورد؟! 

انسان‌ها دوست دارند با یکدیگر ارتباط داشته باشند؛ با هم حرف بزنند و در مشکلات به همدیگر کمک کنند. داشتن رفیق، هیچ‌وقت تنها نمی‌مانید و همیشه یک نفر در کنار شما هست. دوست خوب نگرانی‌های شما را از بین می‌برد. او به شما کمک می‌کند تا راحت‌تر با مشکلات زندگی مثل بیکاری، بیماری یا مرگ عزیزان **کنار بیاید**. شما را تشویق می‌کند که عادت‌های خوب را حفظ و عادت‌های بد را ترک کنید. علاوه بر این، داشتن دوست خوب می‌تواند سلامت جسمی شما را تقویت کند. شاید باور نکنید؛ اما دوستی و رفاقت تأثیر خیلی زیادی بر سلامت و آرامش شما دارد. دوست خوب باعث حفظ تندرستی می‌شود.

وزن متناسب 

شاید شما فکر کنید، بودن با دوستان، روشی برای پرکردن اوقات فراغت، خوش‌گذرانی و پرخوری است؛ اما محققان می‌گویند: برخی از دوستان به شما کمک می‌کنند تا وزنی **متعادل** و بدنی سالم‌تر داشته باشید. آن‌ها معتقدند، دوستان می‌توانند سلامت جسمی شما را نیز تقویت کنند. هرچه رابطه شما با دوستان لاغر، صمیمی‌تر و نزدیک‌تر باشد، احتمال این‌که از نظر سایز و وزن به آن‌ها شبیه شوید، بیشتر است؛ زیرا بین وزن شما با دوستانتان ارتباط مشخصی است؛ یعنی اگر دوستان شما لاغر باشند، شما هم لاغر می‌شوید. چون دوستان لاغر معمولاً کمتر غذاهای پرچرب می‌خورند.

عمر طولانی‌تر 

بسیاری از افراد وقت یا حوصله ورزش کردن را ندارند. اگر شما هم یکی از این افراد هستید، می‌توانید یک یا چند نفر از دوستانتان را هنگام ورزش با خود همراه کنید. مطمئناً ورزش کردن گروهی از تنهایی ورزش کردن بهتر است؛ مثلاً اگر با یکی از دوستان به پیاده‌روی بروید، هم فرصتی برای گفتگو و خنده خواهید داشت و هم گذر زمان را احساس نخواهید کرد. به گزارش محققان استرالیایی افرادی که دوستان زیادی دارند، نسبت به افرادی که دوستان کمتری دارند، بیشتر عمر می‌کنند. همچنین روابط اجتماعی قوی می‌تواند به سلامت مغز افراد کمک کند و طول عمر را افزایش دهد.

قلب سالم‌تر 

مطالعات نشان می‌دهد، افرادی که روابط اجتماعی بیشتری دارند، کمتر در معرض بیماری‌های قلبی قرار می‌گیرند. آخرین باری را که با دوستانتان بلند خندیدید به یاد می‌آورید؟ خوب است بدانید که **خنده از ته دل**، تأثیر شگفت‌انگیزی بر سلامتی انسان دارد. گفته می‌شود، داشتن دوستان خوب به کاهش فشارخون کمک می‌کند و در نتیجه احتمال **ابتلا** به ناراحتی‌های قلبی را کاهش می‌دهد. محققان می‌گویند: «نداشتن دوستان خوب و روابط اجتماعی، خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی را دو برابر می‌کند.» امام جعفر صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «این پنج چیز را هر شخصی ندارد، زندگی او گوارا نیست: سلامتی، امنیت، توانگری، قناعت و همدم سازگار»^۱.

تمرین 

با توجه به متن درباره سوال‌های زیر بحث کنید.

۱. دوستان شما تا چه اندازه در سلامت جسمی شما تأثیر دارند؟

۲. شما با کدام یک از بندهای متن موافق یا مخالف هستید؟ چرا؟

۱. قال الامام جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام): «خمس من لم تكن فيه لم يتهن بالعيش: الصِّحَّةُ وَ الْأَمْنُ وَ الْغِنَى وَ الْقَنَاعَةُ وَ الْأَيْسُ الْمُوَافِقُ» (بخار، ج ۸۱، ص ۱۷۲)



صفت، کلمه‌ای است که حالت و چگونگی اسم را (مانند: رنگ، شکل، اندازه، مزه، جنس، نسبت و ...) بیان می‌کند.

مثال: آن پیراهنِ **قرمز** را به من بده.

پسوندهای صفت‌ساز

برخی صفت‌ها ساختاری ساده دارند (خوب، سرد، سبز و ...)، اما برخی دیگر با استفاده از پیشوند و پسوند ساخته می‌شوند که در این درس صفت‌های پسوند‌دار می‌آید.

ریشه + پسوند = صفت

مثال	صفت	پسوند	ریشه (بن ماضی، بن مضارع ^۱ و اسم)
دوست من نویسنده است.	نویسنده گوینده	نَده	نویس (بن مضارع) گوی (بن مضارع)
خداوند دانا و توانا ما را دوست دارد.	دانا توانا	ا	دان (بن مضارع) توان (بن مضارع)
برادرم گریان به خانه آمد.	گریان خندان	ان	گری (بن مضارع) خند (بن مضارع)
او خریدار لباس‌های گران است.	خریدار گرفتار	ار	خرید (بن ماضی) گرفت (بن ماضی)
او بسیار ستمگر بود.	توانگر رفتگر ستمگر	گر	توان (بن مضارع) رُفت (بن ماضی) ستم (اسم)
من با انسان ستمکار صحبت نمی‌کنم.	طلبکار ستمکار	کار	طلب (بن مضارع) ستم (اسم)

۱. نکته: با استفاده از پسوند به جز صفت می‌توان قید نیز ساخت.

۲. بن ماضی و بن مضارع به شکل زیر ساخته می‌شود.

بن مضارع = حذف «ب» از فعل امر

بن ماضی = حذف علامت مصدر (ن)

بنویس بنویس

مثال: بخور خور

مثال: خوردن خورد

رفت رفت

پوشیدن پوشید

تمرین 

(الف) ریشه صفت‌های زیر را بنویسید (بن ماضی، بن مضارع، اسم). سپس با صفت‌ها جمله بسازید.

ریشه	صفت	جمله
نال	نالان	حمید خسته و نالان به خانه آمد.
	ستمگر	
	خریدار	
	گریان	
	خندان	
	دانا	
	توانا	
	نویسنده	
	ستمگر	
	رازدار	

(ب) با توجه به صفت‌های داخل پراتنز جمله‌های زیر را کامل کنید.

(**بزرگ و مهربانی**، توانگر، دانا، رازدار، ستمگر)

- ۱- ما خداوند **بزرگ** و **مهربانی** داریم.
- ۲- انسان راز خود را به دیگران نمی‌گوید.
- ۳- افراد وظیفه دارند به انسان‌های فقیر کمک کنند.
- ۴- خداوند، مردم را دوست ندارد.
- ۵- انسان همیشه توانا است.

(ج) متن خواندن صفحه پیش را دوباره بخوانید و زیرپنج جمله که در آن صفت وجود دارد، خط بکشید.

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه نویسی

۳

درس سوم

مدیریت و برنامه‌ریزی

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. با واژه‌های مرتبط با تصمیم‌گیری آشنا شود.
۲. بتواند درباره برنامه‌های آینده و گذشته‌اش صحبت کند.
۳. از جمله‌های التزامی به خوبی استفاده کند.
۴. تفاوت بیان تصمیم در زمان گذشته و حال را بداند.
۵. بتواند موضوع هر بند را در متن‌ها درک کند.

■ واژه‌های جدید

- انصراف،
- توسعه،
- نقطه عطف،
- شعبه،
- پُردرآمد،
- جایگاه اجتماعی،
- مهاجرت،
- انگیزه،
- وقت تلف کردن،
- دوران حاضر،
- عمده،
- صرفه‌جویی،
- از مد افتادن،
- فراهم کردن،
- لباس دست دوم.

واژه



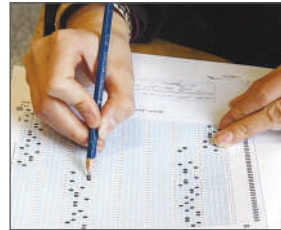
نقاط عطف در زندگی ←



ازدواج



آشنا شدن با یک فرد موفق



قبول شدن در کنکور



مدرسه رفتن



فوت پدر و مادر



تغییر شغل دادن



مهاجرت



بچه دار شدن

تمرین

- به نظر شما هر یک از اهداف زیر مربوط به کدامیک از افراد است.
- پاسخ خود را توضیح دهید. (پاسخها ممکن است با هم متفاوت باشد).



نام: صادق بهرامی
سن: ۳۵ سال
شغل: آشپز

من می خواهم ...

الف) در آینده دکتر بشوم.

ب) در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیل کنم.

پ) نقاش معروفی بشوم و در شهرهای مختلف نمایشگاه بزنم.

ت) سخت کار کنم تا در کارم پیشرفت کنم.

ث) یک رستوران بزرگ افتتاح کنم (بزنم).

ج) یک شرکت خصوصی افتتاح کنم و برای خودم کار کنم.

چ) در آزمون کنکور قبول شوم و ادامه تحصیل بدهم.

ح) از رشته خود انصراف بدهم.

خ) کارم را توسعه بدهم.

د) در آینده فوتبالیست معروفی شوم.



نام: محمد رحیمی
سن: ۲۳ سال
شغل: دانشجوی مهندسی



نام: زینب نوروزی
سن: ۹ سال
شغل: دانش آموز



نام: زهرا صالحی
سن: ۲۸ سال
شغل: کارمند بانک



نام: علیرضا ذوالفقاری
سن: ۱۷ سال
شغل: دانش آموز و ورزشکار



نام: سوسن فاطمی
سن: ۲۰ سال
شغل: دانشجوی هنر

کارگروهی



یک بند به جدول زیر اضافه کنید.

تصمیم گذشته	نقطه عطف	تصمیم آینده
۱ من می‌خواستم به تهران مهاجرت کنم.	اما وقتی ازدواج کردم.	تصمیم گرفتم در شهر خودم زندگی کنم.
۲ من می‌خواستم ورزشکار شوم.	اما وقتی در کنکور پزشکی قبول شدم.	تغییر رشته دادم.
۳ من می‌خواستم در آلمان ادامه تحصیل دهم.	اما وقتی مادرم فوت کرد و پدرم تنها شد.	تصمیم گرفتم در ایران بمانم.
۴		




شنیدن



الف) گفتگوهای زیر را گوش دهید. نقطه عطف زندگی هر فرد چه بوده است؟

		
--	--	--

ب) یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید. اهداف زیر مربوط به کدامیک از این سه نفر است؟ این اهداف برای چه زمانی است؟

اهداف				هدف گذشته	هدف امروز
افتتاح یک شرکت بزرگ	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
افتتاح یک مغازه کوچک	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
افتتاح چند شعبه جدید	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
نقاش شدن	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
معلم شدن	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
دکتر شدن	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>

ج) یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و جدول زیر را کامل کنید.

غلط	درست	
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	او پس از قبول شدن در دانشگاه متوجه شد نقاش خوبی نیست.
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	پدرش به او پول داد تا یک شرکت بزرگ طراحی لباس افتتاح کند.
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	وقتی پریسا دانشجو بود، پدرش فوت کرد.
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	مادر پریسا به او اجازه نداد تا یک رستوران باز کند.
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	آن‌ها پول کافی برای افتتاح مغازه صنایع دستی ندارند.
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	او هنوز در مدرسه، ریاضی درس می‌دهد.



می‌خواهی چه رشته‌ای را انتخاب کنی؟

می‌خواهم رشته‌ای را انتخاب کنم که

در آینده فرد مفیدی برای کشورم باشم.

به آن علاقه داشته باشم.

با آن بتوانم یک شغل پردرآمد پیدا کنم.

در آینده بتوانم آدم مشهوری بشوم.

در آینده بتوانم استاد خوبی بشوم.

در آینده بتوانم در یک دانشگاه خوب درس بخوانم.

در آینده بتوانم زندگی راحتی داشته باشم.



■ تصمیم گرفتی توی دانشگاه چه رشته‌ای را انتخاب کنی؟

□ بله. رشته ادبیات فارسی را انتخاب کردم.

■ چرا ادبیات فارسی؟ تو که می‌خواستی مهندس بشوی.

□ بله. ولی وقتی خوب فکر کردم دیدم به مهندسی علاقه ندارم.

■ چرا؟ مهندسی که خیلی رشته خوبی است.

□ می‌دانی، من از بچگی می‌خواستم شاعر بشوم. برای همین ادبیات فارسی را انتخاب کردم.

■ به نظر من مهندسی بهتر است؛ چون هم جایگاه اجتماعی‌اش بالاتر است و هم درآمد خوبی دارد.

□ برای من درآمد خیلی مهم نیست. من می‌خواهم شغلی داشته باشم که به آن علاقمندم.



- می‌خواهم یک شرکت خصوصی افتتاح کنم و برای خودم کار کنم.
- می‌خواهم در آزمون کنکور قبول شوم و ادامه تحصیل بدهم.
- می‌خواهم از رشته خود انصراف بدهم.
- می‌خواهم کارم را توسعه بدهم.
- می‌خواهم در آینده فوتبالیست معروفی شوم.

- می‌خواهم در آینده دکتر بشوم.
- می‌خواهم در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیل کنم.
- می‌خواهم نقاش معروفی بشوم و در شهرهای مختلف نمایشگاه بزنم.
- می‌خواهم سخت کار کنم تا در کارم پیشرفت کنم.
- می‌خواهم یک رستوران بزرگ افتتاح کنم (بزنم).

- مدرسه رفتن
- قبول شدن در کنکور
- آشنا شدن با یک فرد موفق
- ازدواج
- بچه‌دار شدن
- خرید مغازه
- تغییر شغل دادن
- فوت پدر و مادر



او این برنامه را به من پیشنهاد کرده است؛ اما هر قدر تلاش می‌کنم نمی‌توانم به این برنامه عمل کنم.

نمی‌دانم باید چه کار کنم؟
شما می‌توانید به من کمک کنید؟

۶:۰۰ تا ۲:۰۰	ناهار و نماز و استراحت	۱۲:۰۰ تا ۹:۰۰	
ادبیات فارسی		ریاضی	شنبه
زبان عربی		فیزیک	یکشنبه
مرور		شیمی	دوشنبه
زبان انگلیسی		ریاضی	سه‌شنبه
بینش اسلامی		فیزیک	چهارشنبه
مرور		شیمی	پنجشنبه
استراحت	مرور	جمعه	

سلام. اسم من محمد جواد است. من دوست دارم در آینده مهندس شوم. امسال سال چهارم دبیرستان هستم و قرار است در آزمون ورودی دانشگاه‌ها شرکت کنم. این آزمون بسیار دشوار است و همه قبل از این آزمون چند سال برنامه‌ریزی می‌کنند تا با مطالعه مناسب در این آزمون موفق شوند. راستش را بخواهید من زیاد اهل مطالعه نیستم. بیشتر شب‌ها تا دیر وقت بازی کامپیوتری می‌کنم و صبح‌ها هم تا نزدیک ظهر می‌خوابم. برای همین امسال با یک مشاور صحبت کردم تا او در برنامه‌ریزی به من کمک کند.

من با سعید موافقم. این برنامه، برنامه مناسبی نیست چون تو خودت آن را ننوشته‌ای. من هیچوقت برای برنامه‌ریزی با مشاور صحبت نمی‌کنم. به نظر من هیچ وقت یک نفر دیگر نمی‌تواند برای شما برنامه‌ریزی کند. این برنامه را فراموش کن و یک برنامه دیگر بنویس. مثلاً تو معمولاً شب‌ها بیداری، پس طوری برنامه‌ریزی کن که شب‌ها درس بخوانی و صبح‌ها بخوابی.



محمد جواد

جواد جان این برنامه، برنامه خوبی نیست. وقت چندانی برای استراحت نگذاشتی. تو باید یک سال روزی هفت ساعت درس بخوانی. ممکن است بعد از چند ماه انگیزه تو از بین برود. باید با مشاورت صحبت کنی و از او بخواهی وقت بیشتری برای خواب و بازی کامپیوتری برای تو بگذارد.



سجاد

آقا سعید، من کاملاً با شما مخالفم. مشاور تحصیلی متخصص است و سال‌هاست دیگران را راهنمایی می‌کند. آقا محمد جواد شما باید بیشتر تلاش کنید و کمتر وقتتان را تلف کنید. من مطمئنم اگر به این برنامه عمل کنید حتماً موفق می‌شوید.



مسعود

جواد جان من از تو یک سؤال مهم دارم. آیا به این فکر کرده‌ای که بعد از قبول شدن در دانشگاه هم باید این برنامه را ادامه بدهی؟ برای این که مهندس بشوی باید در دانشگاه خیلی بیشتر از این درس بخوانی. آیا می‌توانی چند سال این طور زندگی کنی؟



فرید



محمد

۱. نظر شما در این باره چیست؟
۲. چطور می‌توان به محمد جواد کمک کرد؟



خواندن



پیش خواندن



فرض کنید، ۶ ماه پیش یک گوشی تلفن همراه خریده‌اید. امروز یکی از دوستانتان به شما می‌گوید مدل جدید گوشی شما به بازار آمده، شما چکار می‌کنید؟

۱ گوشی جدید را نمی‌خرید چون گوشی شما هنوز قابل استفاده است.

۲ منتظر می‌مانید و بعد از ارزان شدن می‌خرید.

۳ شما سریع گوشی جدیدتر را می‌خرید.

؟ پیشنهاد شما:

← متن زیر را با دقت بخوانید و برای هر بند یک عنوان مناسب بنویسید.

چگونه پول خود را مدیریت کنیم؟

یکی از بزرگترین نگرانی‌ها در زندگی، مدیریت مالی است. بدون شک زندگی برای شما در دوران حاضر، در شهرهای بزرگ بسیار مشکل است و هفته پایانی ماه، روزهای سختی را خواهید داشت؛ پس باید برای خرج کردن برنامه مناسبی داشته باشید. با کمی دقت در چگونگی خرید و مصرف کالا می‌توانید، هزینه‌های زندگی را کمتر کنید. کافی است به پیشنهادهای زیر خوب دقت کنید:

شاید شنیده یا دیده باشید که بعضی افراد همیشه از فروشگاه‌ها به صورت عمده خرید می‌کنند؛ مثلاً فرض کنید فرزندان شما هر روز پنج عدد شکلات می‌خورند. شما به جای این‌که هر روز به فروشگاه بروید و پنج عدد شکلات بخرید، می‌توانید در ابتدای هر ماه صد و پنجاه عدد شکلات بخرید. به این نوع خرید اصطلاحاً خرید عمده می‌گویند. معمولاً بسیاری از فروشگاه‌ها کالاهای خود را به صورت عمده می‌فروشند. بهتر است شما نیز، از این امتیاز استفاده کنید و به صورت عمده کالاهای مورد نیاز خود را بخرید؛ زیرا بسیاری از فروشندگان برای خریدهای عمده، تخفیف خوبی می‌دهند، با این کار پول کمتری می‌پردازید و در زمان و هزینه‌های خود صرفه جویی می‌کنید.

حراجی‌ها، مکان‌های خوبی هستند که شما همیشه می‌توانید زیر قیمت بازار خرید کنید. هنگامی که کالایی به بازار می‌آید، قیمت آن بسیار بالا است، بعد از مدتی همان کالا را می‌توانید در حراجی‌ها با قیمتی پایین‌تر پیدا کنید. مثلاً، لباس‌های تابستانی خود را اوایل پاییز در حراجی‌ها خریداری کنید. وقتی جنس جدیدی به بازار می‌آید، بهتر است برای خریدن آن عجله نکنید. پیشنهاد می‌کنیم اگر برای کودکان و نوجوانان پوشاک می‌خرید، کمی بزرگتر بخرید تا سال بعد هم در آن فصل بتوانند از آن استفاده کنند.

همیشه بهتر است از هزینه‌های غیرضروری بکاهید. مثلاً، کمتر به رستوران بروید، شما می‌توانید به جای این کار، با اندکی زحمت، مواد لازم برای تهیه یک غذای خانگی مثل ساندویچ را فراهم کنید و در خانه، غذای خود را آماده کنید. یا هنگام گرانی برخی از مواد غذایی، می‌توانید از مواد دیگر استفاده کنید؛ مثلاً، در گرانی گوجه‌فرنگی، می‌توانید از بازار رب گوجه‌فرنگی بخرید و یا مثلاً ماشین خود را به جای بردن به کارواش، خودتان بشویید. شما معمولاً ساعت‌هایی را در هفته برای خرید وقت می‌گذارید و گاهی اوقات فرصت خرید کردن ندارید. بهتر است به جای خرید حضوری، اینترنتی خرید کنید با این کار، در هزینه رفت و آمد شما نیز صرفه جویی می‌شود.

تقرین: در متن بالا به کدام یک از شیوه‌های زیر برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها اشاره شده است؟ 

- خرید اینترنتی برای کاهش هزینه‌های حمل و نقل شهری
 خرید لباس دست دوم
 شستن لباس در روزهای تعطیل
 خرید تی‌شرت در زمستان
 خرید لباس‌های گشاد
 آشپزی کردن به جای رفتن به رستوران
 استفاده از حمل و نقل عمومی به جای خودروی شخصی
 خرید لباس‌های مد روز از فروشگاه

بیاموزیم



مضارع التزامی << برای بیان قصد و نیت

برای بیان قصد انجام کاری از فعل «خواستن» و مضارع التزامی استفاده می‌شود.

قصد برای حال و آینده

مضارع اخباری فعل خواستن + مضارع التزامی

گذشته حال آینده



 زمان قصد = حال


می خواهد بروم	می خواهی بروی	می خواهد برود
می خواهیم برویم	می خواهید بروید	می خواهند بروند

مثال: من می‌خواهم سال آینده به کربلا بروم.

قصد در گذشته

ماضی استمراری فعل خواستن + مضارع التزامی

گذشته حال آینده



 زمان قصد = گذشته

می خواستم بروم	می خواستی بروی	می خواست برود
می خواستیم برویم	می خواستید بروید	می خواستند بروند

مثال: من می‌خواستم به کربلا بروم.

تمرین

الف

جمله‌های زیر را مرتب کنید.

بخورم / غذا / ساعت ۲ / می‌خواهم / بعد از ظهر	مثال: می‌خواهم ساعت ۲ بعد از ظهر غذا بخورم.
۱ می‌خواستند / اتوبوس / بروند / ورزشگاه	
۲ برویم / زیارت / فردا / من و علی / می‌خواهیم / به	
۳ می‌خواهد / برادرم / تابستان / برای / کند / برنامه‌ریزی	
۴ به / دیدار / می‌خواستیم / من و خانواده‌ام / برویم / پدر بزرگم / دیروز	
۵ می‌خواهم / تحصیل / برای / بروم / ایران / به	

ب

با توجه به اطلاعات داخل پرانتز مانند مثال جمله بسازید.

من / مسافرت رفتن / سال آینده / قصد برای حال و آینده	مثال: من می‌خواهم سال آینده به مسافرت بروم.
۱ آن‌ها / درس خواندن / دیروز (قصد در گذشته)	
۲ ما / به پارک رفتن / هفته بعد (قصد در گذشته)	
۳ پدرم / مغازه باز کردن / سال گذشته (قصد در گذشته)	
۴ سارا و زهرا / رستوران رفتن / برای شام (قصد برای حال و آینده)	
۵ شما / کوهنوردی رفتن / جمعه آینده (قصد در گذشته)	

ج

برای هر یک از قصدهای مربوط به «حال، آینده و گذشته» سه جمله بنویسید.

قصد برای حال و آینده	قصد در گذشته
مثال: می‌خواهم سال آینده در رشته ادبیات فارسی تحصیل کنم.	سال گذشته می‌خواستم زبان فارسی را یاد بگیرم.
-۱	-۱
-۲	-۲
-۳	-۳

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۴

درس چهارم

پشیمانی

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. دربارهٔ پشیمانی‌هایش صحبت کند.
۲. بتواند به خوبی از «ای‌کاش» در جمله‌ها استفاده کند.
۳. بعضی از جمله‌ها را به چند روش بیان کند.
۴. از «باید» در جمله‌های گذشته استفاده کند.
۵. با ماضی بعید آشنا شود.

■ واژه‌های جدید

- مشورت،
- ای‌کاش،
- قهر کردن،
- سر زدن،
- راضی بودن،
- کیف داشتن،
- فدای سرت،
- انگار،
- حسابی،
- گیر آمدن،
- مخفیانه،
- سرطان،
- ریه،
- پول توجیبی،
- سود،
- قسط،
- به قول عمل کردن،
- کادو.

واژه



جمله‌های زیر را بشنوید.

ای کاش...

- یادگرفتن زبان فارسی را زودتر شروع می‌کردم.
- این شغل را انتخاب نکرده بودم.
- با برادرم قهر نکرده بودم.
- سر او فریاد زده بودم.
- عصبانی نشده بودم.
- قبل از این کار با چند نفر مشورت می‌کردم.
- بیشتر برای خانواده‌ام وقت می‌گذاشتم.
- بیشتر به پدر و مادرم سر می‌زدم.
- یک کامپیوتر بهتر خریده بودم.
- به او قول نداده بودم.

تابه حال از چه کارهایی پشیمان شده‌اید؟

تمرین

این افراد ممکن است از چه چیزی پشیمان باشند؟ برای هرکدام چند جمله بنویسید.

سه سال پیش پدر و مادرم را تنها گذاشتم و برای تحصیل به تبریز رفتم. دیروز به من خبر دادند که پدرم فوت کرده!

ای کاش

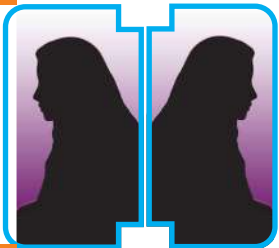
نباید



دیروز با دوستم دعوا کردم. من خیلی عصبانی شدم و حرف‌های بدی به او زدم. الان باهم قهر هستیم.

ای کاش

نباید



چند ماه پیش یک تلویزیون خریدم. تلویزیون خوبی است؛ اما خیلی کوچک است.

ای کاش

نباید



من در دانشگاه ریاضیات خواندم و امسال از دانشگاه فارغ‌التحصیل شدم. چند ماهی است که دنبال یک شغل خوب می‌گردم؛ اما با این مدرک هنوز شغل مناسبی پیدا نکرده‌ام.

ای کاش

نباید



شنیدن



(الف) به گفتگوهای زیر گوش دهید و جدول زیر را کامل کنید.

در هر گفتگو افراد از چه موضوعی پشیمان هستند؟

- الف پولش را در بانک گذاشته بود.
- ب فقط دو روز هتل رزرو کرده بود.
- پ از ایران با خودش کنسرو نبرده بود.
- ت با ماشین شخصی به مسافرت رفته بود.
- ث شب قبل از سفر خوب نخوابیده بود.
- ج پرخوری کرده بود.

آیا افراد از تعطیلات عید خود راضی بوده اند؟

- بله خیر
- ۱ ای کاش...
- ۲ ای کاش...
- ۳ ای کاش...
- ۴ ای کاش...
- ۵ ای کاش...
- ۶ ای کاش...

(ب) یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید. کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است.

✓	✗	
		۱. آن‌ها در اهواز زندگی می‌کنند.
		۲. او امسال در تعطیلات عید به مسافرت رفته است.
		۳. او در تعطیلات عید با دوستانش به مسافرت رفته است.
		۴. آن‌ها از باغ ارم شیراز سوغاتی خریده‌اند.
		۵. غذای حلال در کشور چین بسیار گران است.
		۶. پای او در تعطیلات عید شکست و مجبور شد تمام طول عید در بیمارستان بماند.

(ج) درباره معنای جمله‌های زیر در کلاس گفتگو کنید، در صورت نیاز می‌توانید یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید.

.....	۱. وای چقدر کیف داشت.
.....	۲. فدای سرت.
.....	۳. جات خالی.
.....	۴. سال نو مبارک.
.....	۵. فقط یک کم برای غذا اذیت شدیم.
.....	۶. صد بار بهت گفتم.

کار گروهی



- (؟) ۱. آیا در حال حاضر از موضوعی پشیمان هستید؟
۲. آن موضوع چیست؟ چه کاری را باید انجام می‌دادید و چه کاری را نباید انجام می‌دادید؟ در این باره در کلاس صحبت کنید.

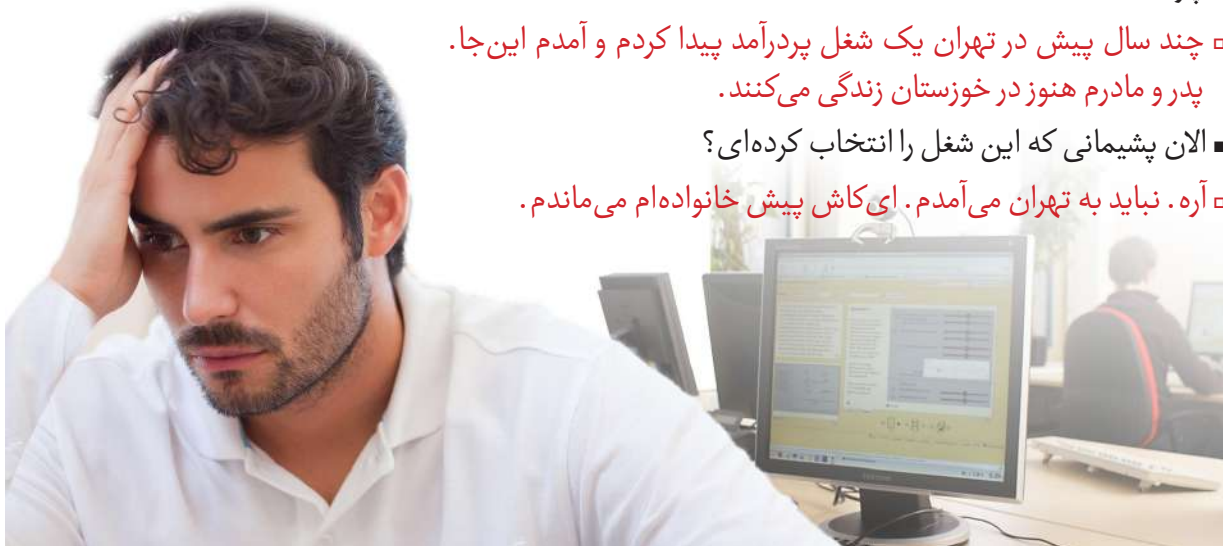


۱. نباید خانواده‌ام را تنها می‌گذاشتم. ای کاش
۲. نباید آنقدر تنبلی می‌کردم. ای کاش
۳. نباید بدون مشورت این لپ‌تاپ را می‌خریدم. ای کاش
۴. نباید این رشته را انتخاب می‌کردم. ای کاش
۵. نباید مهمان‌هایم را به این رستوران دعوت می‌کردم. ای کاش
۶. نباید با رئیس‌م دعوا می‌کردم. ای کاش
۷. نباید این لباس گران را می‌خریدم. ای کاش

گفتگو



- سلام. چرا اینقدر ناراحتی؟
- سلام. دلم برای خانواده‌ام خیلی تنگ شده.
- خوب چرا نمی‌روی خانواده‌ات را ببینی؟
- آخر آن‌ها در خوزستان زندگی می‌کنند. من این‌جا تنها هستم.
- چرا؟
- چند سال پیش در تهران یک شغل پردرآمد پیدا کردم و آمدم این‌جا. پدر و مادرم هنوز در خوزستان زندگی می‌کنند.
- الان پشیمانی که این شغل را انتخاب کرده‌ای؟
- آره. نباید به تهران می‌آمدم. ای کاش پیش خانواده‌ام می‌ماندم.



- باید یادگرفتن زبان فارسی را زودتر شروع می‌کردم.
- باید قبل از این کار با چند نفر مشورت می‌کردم.
- ای کاش بیشتر برای خانواده‌ام وقت می‌گذاشتم.
- ای کاش یک کامپیوتر (رایانه) بهتر می‌خریدم.
- نباید به او قول می‌دادم.
- نباید این شغل را انتخاب می‌کردم.
- باید بیشتر به پدر و مادرم سر می‌زدم.
- نباید با برادرم قهر می‌کردم.
- نباید سر خواهرم داد می‌زدم.

- ای کاش خانواده‌ام را تنها نمی‌گذاشتم.
- ای کاش اینقدر تنبلی نمی‌کردم.
- ای کاش بدون مشورت این لپ‌تاپ را نمی‌خریدم.
- ای کاش این رشته را انتخاب نمی‌کردم.
- ای کاش مهمان‌هایم را به این رستوران دعوت نمی‌کردم.
- ای کاش با رئیس‌م دعوا نمی‌کردم.
- نباید این لباس گران را می‌خریدم.
- نباید عصبانی می‌شدم.



تورج:

سلام مهدی جان! چطوری؟ حالت خوبه؟

مهدی:

تورج جان سلام. خوبم ممنون. تو چطوری؟ چه خبر؟

تورج:

راستش چند روزه که اصلاً حالم خوب نیست. دیروز بعد از ۲۵ سال یکی از دوستان دوران دبیرستانم رو دیدم؛ اما متوجه شدم سرطان ریه گرفته. خیلی ناراحت شدم.

مهدی:

جداً؟! ای بابا! 😞

نگران دوستت نباش. سرطان بیماری خطرناکه؛ اما خیلی‌ها تا به امروز توانسته‌اند این بیماری رو شکست بدهند. من حتماً برای دوستت دعا می‌کنم و از خدا می‌خوام هر چه زودتر شفا پیدا کنه.

تورج:

راستش فکر می‌کنم تقصیر منه که اون سرطان گرفته. من و مهران در دبیرستان با هم درس می‌خوندیم. ما دوستان خوبی بودیم تا این‌که یک روز متوجه شدم مهران مخفیانه سیگار می‌کشه. خیلی ناراحت شدم. چند بار ازش خواستم دیگه این کار رو نکنه؛ اما او به حرف من گوش نمی‌داد. برای همین دیگه ارتباطم رو باهاش قطع کردم. چند روز پیش فهمیدم به خاطر مصرف بیش از حد سیگار، سرطان ریه گرفته و حالش چندان خوب نیست. خیلی از دست خودم ناراحت شدم. اگر در اون زمان ارتباطم رو قطع نمی‌کردم شاید می‌تونستم کاری کنم که اون سیگار رو ترک کنه.

مهدی:

این‌که مهران به خاطر سیگار کشیدن سرطان گرفته به تو ربطی نداره. تو به‌عنوان یک دوست به او گفتی که سیگار نکشه و او باید به حرف تو گوش می‌داد.

تورج:

ولی فکر می‌کنم به‌اندازه کافی تلاش نکردم. شاید باید این موضوع را به پدر و مادرش می‌گفتم. شاید اون‌ها می‌تونستن کاری کنن که مهران دیگه سیگار نکشه.

مهدی:

مطمئن باش تا امروز بارها و بارها پدر و مادرش به او گفته‌اند که سیگار نکشه و او به حرف اون‌ها گوش نداده است. او باید خودش تصمیم می‌گرفت که سیگار نکشه.

تورج:

وقتی در دبیرستان بود، ممکن بود پدر و مادرش پول توجیبی او را قطع کنن تا او نتونه سیگار بخره. شاید هم اگر چند وقتی با او روابطم را کم می‌کردم بهتر بود. باید به او می‌گفتم دلیل قطع ارتباطم با او مسأله سیگار بوده. این‌طور ممکن بود برای حفظ دوستی‌مون سیگار را ترک کنه.

مهدی:

شاید خودت هم سیگاری می‌شدی. ممکن بود امروز تو به جای او مریض باشی. به نظر من تو مقصر نیستی.

گفتگوی بالا را خواندید. به نظر شما مقصر کیست؟ آیا تورج به‌اندازه کافی تلاش کرده است؟
او برای نجات دوستش باید چه کار می‌کرد؟



خواندن



پیش خواندن



دکتر رحیمی - روانشناس

آیا تا به حال از انجام کاری در گذشته پشیمان شده‌اید؟ دلیل پشیمانی شما چیست؟ برای این که دوباره از انجام کاری پشیمان نشوید، چه می‌کنید؟

پشیمانی دیگر سودی ندارد.

همه ما در زندگی کارهایی را انجام می‌دهیم که بعد با خود می‌گوییم: «چرا این کار را انجام دادم؟» اصطلاحاً به احساس نارضایتی از انجام دادن یا ندادن کاری در گذشته «پشیمانی» می‌گویند. مثلاً ممکن است کسی شغلی را انتخاب کند که درآمد بالایی داشته باشد؛ اما آن را دوست نداشته باشد و بعد از چند سال تصمیم بگیرد شغلش را عوض کند. به نظر من در دنیا پنج اتفاق وجود دارد که گاهی از انجام آن پشیمان خواهید شد. پس می‌توانید این پنج اشتباه را در زندگی انجام ندهید:

با یک گفتگوی ساده حل کنید؛ پس سعی کنید در زمان عصبانیت برای کسی پیام نفرستید؛ چون حتی اگر بلافاصله متوجه اشتباهتان شوید، «پشیمانی دیگر سودی ندارد».

۵. برای خانواده‌تان وقت نمی‌گذرانید، پشیمان می‌شوید.

هیچ چیز در دنیا لذت بخش تر از وقت گذراندن با همسر و فرزندان نیست. شاید آن قدر مشغول کار هستید که تا دیروقت در محل کار می‌مانید. شاید دوست دارید برای فرزندان یک لپ‌تاپ گران قیمت بخرید. شاید دوست دارید فرزندان بهترین لباس‌ها را بپوشد؛ اما فراموش نکنید، این که آخر هفته با آن‌ها به پارک یا خارج از شهر بروید، خیلی بیشتر از یک کادوی گران قیمت آن‌ها را خوشحال می‌کند. علاوه بر این، هر قدر که می‌توانید به دیدار پدر و مادرتان بروید. یادتان باشد، شاید برای شاد کردن آن‌ها فرصت زیادی نداشته باشید.

۳. هنگام خوشحالی قول می‌دهید، پشیمان می‌شوید.

ما گاهی وقتی خوشحالیم بدون این که خوب فکر کنیم به دیگران قول می‌دهیم. معمولاً در زمان خوشحالی چندان به این موضوع فکر نمی‌کنیم که آیا می‌توانیم به قول خود وفا کنیم یا نه. به همین دلیل معمولاً کسانی که در زمان خوشحالی به دیگران قول می‌دهند، از قولی که داده‌اند پشیمان می‌شوند.

۴. با عصبانیت به کسی ایمیل یا پیامک می‌زنید، پشیمان می‌شوید.

هیچ وقت سعی نکنید از طریق وسایل ارتباطی مانند رایانه و تلفن همراه عصبانیت خود را به دیگران نشان دهید. به نظر من تا زمانی که می‌توان درباره مشکلات گفتگو کرد، ارسال ایمیل یا پیامک در شبکه‌های اجتماعی کار درستی نیست. گاهی اوقات از دست کسی عصبانی می‌شوید و خیلی سریع پیامی را برای او ارسال می‌کنید؛ اما فردای آن روز متوجه می‌شوید که اشتباه کرده‌اید و می‌توانستید این مشکل را

۱. کاری که به خاطر پول درآوردن شروع می‌کنید، پشیمان می‌شوید.

اگر به خاطر پول درآوردن وارد کاری شده‌اید و از آن لذت نمی‌برید، بعداً پشیمان خواهید شد و دارید عمرتان را تلف می‌کنید و از زندگی لذت نمی‌برید درست است که برای پرداخت قسط‌ها، اجاره‌خانه و هزینه‌های منزل، پول لازم است؛ اما زندگی کوتاه‌تر از آن است که بخواهید فقط به دنبال پول باشید. کاری را انجام دهید که دوست دارید. مطمئن باشید که به دنبال آن پول هم خواهد آمد.

۲. سر فرزندان‌تان داد می‌زنید، پشیمان می‌شوید.

اگر سر فرزند داد بزنید، خیلی زود پشیمان می‌شوید و با خود می‌گویید: «ای کاش این کار را نمی‌کردم». مطمئناً می‌دانید که با داد زدن کاری درست نمی‌شود. فقط بچه‌ها را می‌ترسانید و خودتان را اذیت می‌کنید. البته نباید از تربیت بچه‌ها غافل شد؛ اما داد زدن روش مناسبی برای تربیت بچه‌ها نیست.

تمرین الف 

متن را بخوانید. شما چقدر با دکتر رحیمی موافق هستید. درباره پاسخ‌ها با هم کلاسی‌های خود بحث کنید.

کاملاً مخالفم	مخالفم	تا حدی موافقم	موافقم	کاملاً موافقم

۱. بیشتر وقت‌ها کاری را فقط به خاطر پول درآوردن شروع می‌کنید، پشیمان می‌شوید.
۲. بیشتر وقت‌ها که سر فرزندان‌تان داد می‌زنید، پشیمان می‌شوید.
۳. بیشتر وقت‌ها هنگام عصبانیت به شخصی پیامک می‌زنید، پشیمان می‌شوید.
۴. بیشتر وقت‌ها که هنگام خوشحالی قول می‌دهید، پشیمان می‌شوید.
۵. بیشتر وقت‌ها که برای خانواده‌تان وقت نمی‌گذارید، پشیمان می‌شوید.

ب 

با اصطلاحات زیر جمله بسازید. (می‌توانید به جای واژه‌های رنگی از واژه‌های دیگر استفاده کنید.)

۱. زندگی کوتاه‌تر از آن است که ...
۲. سر کسی داد زدن
۳. نباید از او غافل شد.
۴. به قول خود وفا کردن
۵. وقت گذراندن با خانواده

بیاموزیم 

تعریف جمله‌های عاطفی

هنگامی که می‌خواهیم از کاری که در گذشته انجام نشده یا خوب انجام نشده اظهار پشیمانی کنیم از یکی از دو ساختار زیر استفاده می‌کنیم. در این درس با ساختار اظهار تأسف آشنا می‌شویم:

۲	۱
کاش + ماضی استمراری یا ماضی بعید	باید + ماضی استمراری
کاش بیشتر به دیدن پدرم می‌رفتم.	باید بیشتر تلاش می‌کردم.
کاش بیشتر به دیدن پدرم رفته بودم.	باید به آن فقیر کمک می‌کردم.

یادآوری

ماضی استمراری	می‌رفتم، می‌رفتید، می‌رفتیم، می‌رفتید، می‌رفتند
ماضی بعید	رفته بودم، رفته بودی، رفته بود، رفته بودیم، رفته بودید، رفته بودند

تمرین 

(الف) جمله‌های ماضی استمراری زیر را مانند مثال به جمله‌های ماضی بعید تبدیل کنید.

مثال: ای کاش به بازار می‌رفتم.	ای کاش به بازار رفته بودم.
مثال: باید خوب درس می‌خواندم.	ای کاش خوب درس خوانده بودم.
۱	کاش این اشتباه را نمی‌کردم.
۲	ای کاش بیشتر درس می‌خواندید.
۳	وای! باید این کار را دیروز انجام می‌دادیم.
۴	کاش در امتحان قبول می‌شدی.
۵	آه! باید در جلسه شرکت می‌کردید.
۶	آخ! باید به دوستم تلفن می‌زدم.
۷	ای کاش به کشورتان نمی‌رفتید.
۸	کاش به مسافرت نمی‌رفتند.

(ب) جمله‌های زیر را با استفاده از واژه‌های داخل پرانتز مانند مثال به جمله‌های عاطفی تبدیل کنید.

۱	من پارسال با خانواده‌ام به مسافرت نرفتم. (باید) مثال: من باید پارسال با خانواده‌ام به مسافرت می‌رفتم.
۲	به دیدار دوستم رفتم. (کاش)
۳	ما به مهمانی رفتیم (باید)
۴	این کار خوب را انجام داد. (ای کاش)
۵	آن‌ها به مسافرت می‌روند. (باید)
۶	رضا خوب درس خواند. (ای کاش)

(ج) با استفاده از واژه‌های «کاش»، «ای کاش» و «باید» جمله بسازید.

۱. (کاش)
۲. (ای کاش)
۳. (باید)

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه‌نویسی

۵

درس پنجم

امید و آرزو

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. آرزوهایش را بیان کند.
۲. بتواند برای دیگران آرزو کند.
۳. ماضی التزامی را بشناسد.
۴. بتواند برای بیان آرزوهایش از ماضی و مضارع التزامی استفاده کند.
۵. تفاوت کاربرد ماضی و مضارع التزامی را بداند.

■ واژه‌های جدید

- خدا کند،
- مجری،
- کاشکی،
- فلش،
- پوست کسی را کندن،
- پکر،
- لنگ ظهر،
- یواش،
- پا شدن،
- تعمیرگاه،
- یک‌عالمه،
- پریز برق،
- صلح،
- سوسک،
- نسل،
- منقرض شدن،
- برآورده شدن،
- نقطهٔ مقابل،
- فرمان ماشین،
- هوای کسی را داشتن،
- به هیچ‌وجه،
- بزرگراه،
- تجربه،
- تحقق.

واژه



افراد در کدام یک از موقعیت‌های جدول، آرزوهای زیر را دارند؟

۱. خدا کند حالش هر چه زودتر خوب شود.	۲. خدا کند یک نفر بیاید و به من کمک کند.	۳. خدا کند در مسیر زیاد ترافیک نباشد.	۴. خدا کند پیدایش کند.
۵. خدا کند نشکسته باشد.	۶. خدا کند این جا پریز برق باشد.	۷. خدا کند قبول شود.	۸. خدا کند آن را ندزدیده باشند.

			
شارژ باتری موبایل زهرا تمام شده.	بنزین ماشین مریم تمام شده.	سعیده امتحانش را خوب نداده.	مجید سوئیچ ماشینش را گم کرده.
۶. خدا کند این جا پریز برق باشد.			
			
مریم برای تعطیلات نوروز به یک شهر دیگر سفر کرده. کیف پول او گم شده.	محمد منتظر تاکسی است، ساعت ۱۱:۳۰ است. او ساعت ۱۲:۰۰ پرواز دارد.	پدر سمیرا چند روزی است که در بیمارستان بستری شده.	پارسا را با آمبولانس به بیمارستان می‌برند. پای او در باشگاه آسیب دیده.

تمرین

جمله‌ها را بخوانید. به نظر شما هر یک از این افراد در چه موقعیتی این آرزو را دارند؟

موقعیت

آرزو

مثال: مریم: امیدوارم در همهٔ مراحل زندگی موفق باشید.	
مریم مجری تلویزیون است. این جمله را در پایان برنامه می‌گوید.	
مهدی: آرزو می‌کنم هرچه زودتر حالتان خوب شود.	
شایان: کاشکی زوتر بیاید.	
منیره: کاش با پدرت مشورت می‌کردی.	
سحر: ان شاء الله خدا به شما صبر بدهد.	
جمشید: خدا کند زنده باشد.	

شنیدن



(الف) به گفتگوها گوش دهید. در هر گفتگو چه مشکلی پیش آمده و هر فرد چه آرزویی می‌کند؟
مشکل آرزو

		۱
		۲
		۳
		۴
		۵
		۶

(ب) یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید در هر مورد کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است. درست نادرست

		۱	او امروز به فلش نیاز دارد.
		۲	او دیروز خیلی خسته بوده؛ چون نتوانسته به اندازه کافی بخوابد.
		۳	پدر او به خاطر بیماری قلبی در بیمارستان است.
		۴	تاریخ امتحان فیزیک او روز چهارشنبه ساعت ۱۰:۰۰ صبح است.
		۵	ماشین آن‌ها زیاد خراب نمی‌شود.
		۶	آن‌ها خارج از شهر عکاسی می‌کنند.

(ج) درباره معنای جمله‌های زیر در کلاس گفتگو کنید؛ در صورت نیاز می‌توانید یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید.

		۱	... پوست من را می‌کند.
		۲	چرا پکری؟
		۳	... خیلی سختگیر است.
		۴	لنگ ظهر است.
		۵	غصه نخور.
		۶	یواش.

کار گروهی



(←) ابتدا چند موقعیت را توصیف کنید که در آن مشکلی پیش آمده است. سپس موقعیت‌ها را برای دوستانتان در کلاس توضیح دهید. دیگر اعضای گروه برای این موقعیت باید یک آرزو کنند.

مثال: ساعت ۸ صبح است و شما در ایستگاه اتوبوس نشسته‌اید. شما ساعت ۸:۱۵ دقیقه جلسه دارید. «کاشکی اتوبوس زودتر بیاید»؛ «امیدوارم دیر به جلسه نرسم»؛ «خدا کند جلسه دیرتر شروع شود».



واژه‌هایی برای آرزو کردن

می‌خواهم در آینده	دوست دارم	کاشکی	ای‌کاش
از خدا می‌خواهم	آرزو می‌کنم	یعنی می‌شود	امیدوارم

گفتگو

■ بزرگ‌ترین آرزوی تو چیست؟

□ بزرگ‌ترین آرزویم؟ من همیشه دوست داشتم یک خانه خیلی بزرگ وسط جنگل داشته باشم. کاشکی الان یک عالمه پول داشتم تا می‌توانستم این خانه را بخرم. تو چی؟ بزرگ‌ترین آرزوی تو چیست؟

■ من همیشه نگران خانواده‌ام هستم؛ برای همین همیشه آرزو می‌کنم پدر و مادرم سالم و سلامت باشند.

□ امیدوارم پدر و مادرت هیچ‌وقت مریض نشوند.

■ ممنون!



- خدا کند یک نفر بیاید و به من کمک کند.
- خدا کند پیدایش کنم.
- یعنی می‌شود این‌جا پریز برق باشد.
- خدا کند آن را ندزیده باشند.
- ان‌شاءالله خدا به شما صبر بدهد.
- امیدوارم در همهٔ مراحل زندگی موفق باشید.
- کاش با پدرت مشورت می‌کردی.

- ای‌کاش حالش هر چه زودتر خوب شود.
- خدا کند در مسیر زیاد ترافیک نباشد.
- ان‌شاءالله نشکسته باشد.
- خدا کند قبول شوم.
- کاشکی اتوبوس زودتر بیاید.
- امیدوارم دیر به جلسه نرسم.
- خدا کند جلسه دیرتر شروع شود.

بحث آزاد



همانطور که می‌دانید اولین شب جمعه از ماه رجب را «لیلة الرغائب» نامیده‌اند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «از اولین شب جمعه ماه رجب غافل نشوید؛ زیرا فرشتگان آن را «لیلة الرغائب» نامیدند.» «لیلة الرغائب» به معنای شبی است که در آن بخشش خدا بسیار است. اگر در این شب بیدار بودید و عبادت کردید و به شما بگویند یک آرزوی شما قبول می‌شود، از خدا چه می‌خواهید؟ فقط و فقط یک حاجت و آرزو!



فرید

من همیشه آرزو داشتم یک باغ بزرگ داشته باشم که بتوانم در آن جا زندگی کنم. اگر این باغ را داشتم، حتماً از شهر می‌رفتم و با خانواده‌ام در آنجا زندگی می‌کردم.

به نظر من پول مهم‌تر است. اگر پول داشته باشی می‌توانی باغ هم بخری. من آرزو می‌کنم ثروتمند بشوم تا بتوانم چند تا مدرسه، کتابخانه، پارک و خانه بسازم. با این کار می‌توانم به مردم کشورم کمک کنم.



کریم



محمد

آرزو می‌کردم هنگامی که امام زمان (علیه السلام) ظهور می‌کنند، من از یاران آن حضرت باشم.

آرزو می‌کردم ثروتمند بشوم و به فقیران کمک کنم تا هیچ فقیری در دنیا نباشد.



فاطمه



هانیة

من آرزو می‌کنم در جوانی بتوانم قرآن را حفظ کنم تا در آینده معلم قرآن بشوم.

پدرم هر روز ۱۴ ساعت سر کار می‌رود. او خیلی خسته می‌شود. آرزو می‌کردم کار بهتری پیدا کند.



مریم



ملیحه

من از سوسک‌ها خیلی خیلی می‌ترسم. آرزو می‌کردم همه سوسک‌ها می‌مردند.

دیشب خواب پدر و مادرم را دیدم. آرزو می‌کردم پدر و مادرم دوباره زنده بشوند تا بتوانم بیشتر در کنارشان باشم.



فریبا



شهریار

من فقط و فقط یک آرزو دارم. من دوست دارم مثل پدر و برادرم شهید بشوم.

۱. جمله‌های آرزویی بالا را خواندید. به نظر شما کدام آرزوها، آرزوهای خوبی بودند؟
۲. کدام آرزوها خوب نبودند؟ چرا؟
۳. آرزوی شما چیست؟





بزرگ‌ترین آرزوی شما در زندگی چیست؟
آیا این آرزو در طول زندگی‌تان برآورده خواهد شد؟

امید و آرزو از نظر اسلام



شده‌ام؛ چرا این همه سعی و تلاش کنم؟ بیل را به کنار انداختم و روی زمین خوابیدم، ولی چیزی نگذشت که این فکر به ذهنم آمد که از کجا معلوم سال‌های زیادی زنده نمانم؟ انسان تا زنده است، باید برای خود و خانواده‌اش تلاش کند؛ برای همین دوباره بلند شدم و بیل را برداشتم و مشغول کار شدم.^۲

آرزو در اسلام دو نوع است: اول، آرزوی «پسندیده» و دوم، آرزوی «ناپسند». آرزوی پسندیده آرزویی است که اسلام نسبت به آن سفارش و تأکید می‌کند. همه آرزوهای واقعی از این نوع هستند و انسان‌ها معمولاً با تلاش و کوشش می‌توانند به آن آرزوها برسند؛ مانند آرزوی داشتن همسر خوب، شغل خوب، فرزندان با تربیت، یاد گرفتن زبان دوم و ...

نوع دوم آرزوی ناپسند و آرزوهای طولانی است که انجام آن‌ها در توان و قدرت انسان نیست؛ مثلاً انسان همیشه بدون تلاش و کوشش آرزو کند، ثروتمندترین مردم باشد؛ در بهترین خانه‌ها زندگی کند؛ سوار بهترین ماشین‌ها بشود؛ بهترین و راحت‌ترین شغل‌های دنیا را داشته باشد و ... که اسلام با این نوع آرزوها مخالف است.

حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: «من بر شما از دو چیز می‌ترسم، اول پیروی هوا و هوس و دوم آرزوهای بلند؛ اطاعت از هوا و هوس شما را از حق باز می‌دارد و آرزوهای بلند باعث فراموشی آخرت می‌شود».^۳

در اسلام، امید و آرزو، رحمتی است که خداوند عزیز به انسان‌ها داده است. همه ما در زندگی آرزوهایی داریم که با آن‌ها زندگی می‌کنیم.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «آرزو برای پروان من رحمت است و اگر آرزو نبود هیچ مادری کودکش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی را نمی‌کاشت».^۱

در حدیثی از حضرت عیسی (علیه‌السلام) می‌خوانیم که ایشان در جایی نشسته بود و پیرمردی را مشاهده می‌کرد که در هوای گرم با بیل زمین را می‌کند. حضرت عیسی (علیه‌السلام) از خداوند درخواست کرد: «خدایا، امید و آرزو را از او بگیر».

ناگهان پیرمرد بیل را به کناری انداخت و روی زمین دراز کشید و خوابید. کمی بعد، حضرت عیسی (علیه‌السلام) از خداوند دوباره درخواست کرد: «خدایا، امید و آرزو را به او برگردان».

ایشان مشاهده کرد که پیرمرد بلند شد و دوباره مشغول فعالیت و کار شد. حضرت عیسی (علیه‌السلام) از او سؤال کرد که من دو حال مختلف از تو دیدم: یک بار بیل را به کنار انداختی و روی زمین خوابیدی و در مرحله دوم بلند شدی و دوباره کار کردی!

پیرمرد در جواب گفت: «بار اول، فکر کردم که پیرو ناتوان

تمرین 

الف 

با توجه به متن بالا به سؤالات پاسخ دهید.

۱. سخن پیامبر اکرم درباره آرزو چیست؟
۲. چرا آن پیرمرد در داستان حضرت عیسی (علیه‌السلام) دو کار متفاوت انجام داد؟
۳. در اسلام چند نوع آرزو وجود دارد؟ توضیح دهید.
۴. چند تا از آرزوهای پسندیده و ناپسند را نام ببرید.

۱. بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۷، ص ۱۷۳. ۲. تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۲۷۲. ۳. نهج البلاغه، خطبه ۴۲.

ب) با واژه‌ها یا اصطلاحات زیر جمله بسازید.

	۱. رحمت
	۲. دراز کشید
	۳. درخواست
	۴. ناتوان
	۵. به کنار انداخت
	۶. پسندیده
	۷. ناپسند
	۸. هوا و هوس

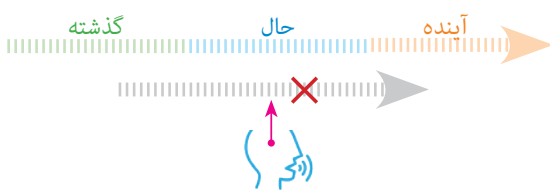
بیاموزیم



آرزو

در ابتدای جمله‌های آرزویی در فارسی از واژه‌های **کاش**، **ای کاش**، **کاشکی** و ... استفاده می‌شود. در زبان فارسی برای بیان آرزو و خواسته‌ها گاهی از فعل ماضی و مضارع التزامی استفاده می‌کنیم:

کاش / ای کاش + ماضی التزامی

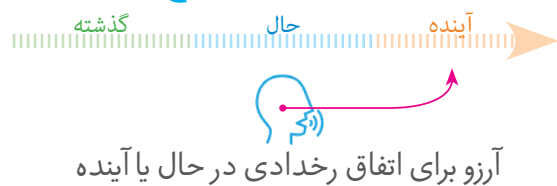


گوینده آرزو می‌کند که این اتفاق تا قبل از یک زمان خاص (در آینده، حال یا گذشته) رخ داده باشد.

کاش رفته باشم کاش رفته باشی کاش رفته باشد
کاش رفته باشیم کاش رفته باشید کاش رفته باشند

کاش [تا دیشب] ماشین خریده باشند.
ای کاش [تا الآن] او به کشورش نرفته باشد.
کاشکی [تا فردا] به تهران رسیده باشند.

کاش / ای کاش + مضارع التزامی



آرزو برای اتفاق رخدادی در حال یا آینده

کاش بروم کاش بروی کاش برود
کاش برویم کاش بروید کاش بروند

کاش به سفر بروم.

ای کاش در امتحانات قبول بشوی.
ای کاش با هواپیما به مشهد برویم.
کاش دوستم زودتر از سفر برگردد.

تمرین



(الف)

جمله‌های زیر را بخوانید؛ سپس برای هر مورد مانند مثال دو جمله آرزویی بنویسید.
مثال: برادرم به خانه دوستش رفته است.

کاشکی تا ساعت ۱۰ برادرم به خانه دوستش رفته باشد. کاشکی برادرم به خانه دوستش برود.

۱. سعید و احمد به مسافرت می‌روند.

.....

.....

۲. پسر در امتحانات دانشگاه قبول شد.

.....

.....

۳. مهدی ماشین نو خرید.

.....

.....

۴. مادرم به زیارت امام رضا علیه السلام رفت.

.....

.....

۵. حسین و علی به ایران می‌آیند.

.....

.....

متن را بخوانید و زیر جمله‌های آرزویی آن خط بکشید. (ب)

(الف) دوستم رضا همیشه می‌خواست بهترین ماشین دنیا را داشته باشد. ای کاش به آرزویش رسیده باشد. آخرین بار ۵ سال پیش او را دیدم. به من گفت: «برای دیدن خانواده‌ام می‌خواهم به کشور فرانسه سفر کنم». ان شاء الله به این سفر رفته باشد.

(ب) برادرم دیروز برای خریدن ماشین به تهران رفت. ای کاش با برادرم رفته بودم. او می‌خواست ماشین نو بخرد. ای کاش آن ماشین را خریده باشد. دوستش حمید نیز می‌خواست با برادرم به تهران برود، خدا کند با او رفته باشد.

مانند مثال پنج کاری را که آرزو دارید تا سال آینده همین موقع انجام داده باشید، بنویسید. (ج)

مثال: آرزو دارم تا سال دیگر همین موقع تدریس زبان فارسی را شروع کرده باشم.

.....

.....

.....

.....

.....

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه نویسی

ع

درس ششم

بانک

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان آموز با خواندن این درس:

۱. با اصطلاحات مربوط به بانک آشنا شود.
۲. بتواند درباره کارهای بانکی اش صحبت کند.
۳. تفاوت انواع حساب بانکی را بداند.
۴. اطلاعاتی درباره اصطلاحات اقتصاد اسلامی داشته باشد.
۵. حرف ربط را بشناسد.
۶. تفاوت حرف ربط ساده و مرکب را تشخیص بدهد.

■ واژه‌های جدید

- قبض،
- همراه بانک،
- دسته چک،
- مسدود کردن،
- واریز کردن،
- وام گرفتن،
- حساب بانکی،
- قرض الحسنه،
- حساب جاری،
- ماهنامه،
- سرمایه گذاری،
- کیفیت،
- حساب ارزی،
- برداشت کردن،
- سوزاندن کارت،
- مدارک،
- پس انداز،
- موجودی،
- نقد کردن،
- پاس کردن،
- محاسن،
- معایب،
- مجهز،
- گذرواژه (رمز)،
- بی ربط،
- مراجعه کردن.

واژه



هر تصویر مربوط به کدام واژه است؟



کارت بانکی

قبض

همراه بانک

اینترنت بانک

دستگاه خودپرداز

دسته چک

چک

ارز



تمرین

متن را با استفاده از واژه‌های زیر کامل کنید.

برداشت کردن - فعال کردن - مسدود کردن - پرداخت کردن - افتتاح کردن (باز کردن) - واریز کردن - وام گرفتن

۱. من از بچگی در بانک حساب داشته‌ام. وقتی خیلی کوچک بودم، یک روز پدرم من را به بانک برد و برایم یک حساب بانکی

.....
۲. در صورتی که کارت بانکی خود را گم کردید، بلافاصله به نزدیک‌ترین شعبه رفته و آن را

.....
۳. برای پرداخت شهریه دانشگاه لازم نیست به بانک بروید. خیلی ساده می‌توانید با استفاده از «اینترنت بانک» پول را به

.....
حساب دانشگاه

.....
۴. در گذشته و پیش از اختراع دستگاه‌های خودپرداز، مردم اگر به پول نقد نیاز داشتند باید به بانک می‌رفتند و از حساب خود

.....
پول

.....
۵. برای استفاده از «اینترنت بانک» و «همراه بانک» باید حداقل یک بار به بانک بروید و حساب اینترنتی خود را

.....
۶. اگر برای کاری مثل خرید خانه یا خودرو به پول نیاز دارید، می‌توانید از بانک

.....
که قسط‌ها را به موقع



کارگروهی



شما از کدام یک از انواع حساب‌های زیر استفاده می‌کنید. (؟)

حساب جاری، درست مثل حساب قرض‌الحسنه است و بانک به شما سودی نمی‌دهد؛ اما خوبی آن این است که بعد از افتتاح حساب جاری، بانک به شما یک دسته‌چک می‌دهد و شما می‌توانید به‌جای پول نقد با چک خرید کنید.	حساب جاری	چند ماه پیش در یک بانک حساب قرض‌الحسنه باز کردم. این حساب سود ماهیانه ندارد؛ دیروز از بانک با من تماس گرفتند و گفتند می‌خواهیم به شما وام بدهیم. وقتی امروز به بانک رفتم آن‌ها سه برابر پولی که در بانک داشتم به من وام دادند.	قرض‌الحسنه
من تاجر زعفران هستم و هرماه به کشورهای مختلف سفر می‌کنم. زعفران ایران بسیار باکیفیت است؛ برای همین بسیاری از کشورها این محصول را از شرکت ما می‌خرند. آن‌ها بعد از خرید زعفران پول را به حساب ارزی شرکت واریز می‌کنند. حساب ارزی حسابی است که می‌توان از یک کشور دیگر به آن پول واریز کرد و یا این‌که از یک کشور دیگر از آن پول برداشت کرد.	حساب ارزی	من معلم هستم و فرصت سرمایه‌گذاری و انجام کارهای اقتصادی را ندارم. برای همین یک حساب سپرده‌گذاری در بانک باز کردم. در این حساب پولی را به بانک می‌دهیم، بانک با پول کار می‌کند و هرماه سودی را به ما پرداخت می‌کند.	حساب سپرده

شنیدن



به گفتگوها گوش دهید، سپس جدول زیر را کامل کنید. در هر مورد افراد از کارمند بانک چه درخواستی دارند؟ (الف)

قرض‌الحسنه	افتتاح حساب	حساب جاری	حساب سپرده	افتتاح حساب ارزی	حساب قسط	پرداخت قرض	همراه بانک	فعال کردن	اینترنت بانک	فعال کردن	گرفتن وام	به حساب	واریز پول	از حساب	برداشت پول	تبدیل ارز	کارت بانکی	درخواست	کارت بانکی	مسدود کردن	
۱																					
۲																					
۳																					
۴																					

یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید. کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است. (ب)

درست نادرست

الف	۱	قسط وام این ماه او پنجاه و سه هزار تومان است.
ب		او می‌تواند قبض‌هایش را از دستگاه خودپرداز پرداخت کند.
الف	۲	او نمی‌خواهد تا شش ماه آینده اتوبوس بخرد.
ب		او برای خرید اتوبوس به حدود ۸۰ میلیون تومان پول نیاز دارد.
الف	۳	او هرماه چندین بار برای تفریح به خارج از ایران سفر می‌کند.
ب		با کارت بانکی حساب ارزی فقط می‌توان خرید کرد.
الف	۴	برای مسدود کردن کارت بانکی حتماً باید گواهی‌نامه رانندگی داشته باشید.
ب		با استفاده از حساب اینترنتی می‌توان قسط‌های وام را پرداخت کرد.

یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنای اصطلاحات زیر را حدس بزنید. (ج)

۱	برای این کارها لزومی ندارد بیا بیا بانک.
۲	همین الان برایتان ترتیبش را می‌دهم.
۳	این حساب خیلی به درد من می‌خورد.
۴	بدون کارت شناسایی نمی‌توانم کارتتان را بسوزانم.

با هریک از واژه‌های جدول، یک جمله بسازید. از فعل‌های سمت راست کمک بگیرید.

دسته چک	۱	نقد کردن
وام	۲	پرداخت کردن
کارت بانکی	۳	درخواست کردن
اینترنت بانک	۴	پاس کردن
همراه بانک	۵	فعال کردن
قبض	۶	برگشت زدن
قسط وام	۷	مسدود کردن



گفتگو

- سلام روزتان بخیر.
- سلام خسته نباشید.
- بفرمایید در خدمتان هستیم.
- لطفاً این چک را برایم نقد کنید.
- بله حتماً. کارت شناسایی‌تان را لطف می‌کنید؟
- بفرمایید.
- متشکرم. می‌شود لطفاً پشت چک را هم امضا کنید؟
- بله. حتماً.
- پول نقد می‌خواهید یا این‌که مبلغ چک را به حسابتان بریزم.
- اگر می‌شود به حساب عابر بانکم بریزید.
- چشم. فقط لطف کنید این فرم را پر کنید.



- کارت بانکی
- قبض
- ارز
- همراه بانک
- دسته چک
- دستگاه خودپرداز
- چک
- اینترنت بانک
- باجه
- صندوق
- قسط
- وام

- می‌شود این‌جا را امضا کنید؟
- می‌شود این فرم را کامل کنید؟
- امکانش هست که مدارکتان را به من بدهید؟
- شماره حسابتان را می‌فرمایید؟
- شماره کارت بانکی‌تان را می‌فرمایید؟
- لطفاً به باجه شماره ۳ بروید.
- باید این مشکل را به رئیس بانک بگویید.
- می‌توانید کارت خود را در باجه شماره ۲ فعال کنید.

- می‌شود این چک را نقد کنید؟
- می‌شود این چک را برگشت بزنید؟
- می‌شود این چک را مسدود کنید؟
- می‌خواهم این قبض‌ها را پرداخت کنم.
- می‌خواهم این چک را نقد کنم.
- می‌خواهم این قسط‌ها را پرداخت کنم.
- می‌خواهم یک حساب قرض‌الحسنه بازکنم.



حالا تصور کنید فردا صبح به شما اطلاع بدهند که در یک قرعه‌کشی شما یک خودروی چند صد میلیونی برنده شده‌اید. با این خودرو چکار می‌کنید؟ آیا آن را نگه می‌دارید؟ یا می‌فروشید؟ اگر آن را بفروشید با پولش چکار می‌کنید؟

چند سال پیش یک جوان بیست و چهار ساله در قرعه‌کشی بانک، برنده یک خودروی ۴۵۰ میلیونی شد. زمانی که خبرنگاران از او پرسیدند: «می‌خواهی با پول این خودرو چکار کنی؟» گفت: «اول از همه پدر و مادرم را برای زیارت به کربلا می‌فرستم، بعد بقیه آن را به همسرم می‌دهم تا در یک کار تجاری سرمایه‌گذاری کند.»

یک میلیون دلاری می‌خرم. بعد سفر دور دنیای خودم را شروع می‌کنم. وقتی همه پول‌هایم تمام شد برمی‌گردم و دوباره در کنار پدر و مادرم زندگی می‌کنم. 😊



گلی

اول از همه به همه دوستانم زنگ می‌زنم و از آن‌ها خداحافظی می‌کنم. به بانک می‌روم، ماشین را می‌گیرم، به بنگاه فروش ماشین می‌روم آن را می‌فروشم و یک ماشین

گذشته من و شوهرم در حال حاضر مستأجر هستیم. نه خانه داریم و نه ماشین. فکر می‌کنم بهتر است ماشین را بفروشم و با پول آن خانه‌ای کوچک و ماشینی ارزان‌تر بخرم.



نرگس

قطعاً آن را می‌فروشم و هرگز سوارش نمی‌شوم. به یک علت ساده، خجالت می‌کشم. من نمی‌توانم در شهر با یک ماشین ۴۵۰ میلیونی رانندگی کنم و همه من را نگاه کنند. از این

در حال ماشین را می‌فروشم و با پولش یک عالمه لباس و کفش می‌خرم. شاید چند تا مغازه لباس‌فروشی هم بازکنم. می‌خواهم به خودم ۵۰ درصد تخفیف بدهم. 😊😊😊



لیلا

وای فقط خدا می‌داند اگر ماشینی به این گران‌قیمتی بخرم چقدر خوشحال می‌شوم. البته نه به خاطر خودش، به خاطر پولش. امیدوارم این باعث شود حداقل بروم گواهینامه رانندگی‌ام را بگیرم. البته

درباره شهرم (کرمانشاه) بسازم. می‌خواهم درباره همه چیز آن از حیات وحش و طبیعت گرفته تا موسیقی، تاریخ و... صحبت کنم. نه این‌که حالا بگویم از پول بدم می‌آید. اتفاقاً می‌خواهم با ساخت این فیلم هم فرهنگ شهرم را معرفی کنم و هم پول در بیاورم.



سایه

صد در صد می‌فروشم، شک نکنید. اگر یک ماشین گران‌قیمت داشته باشید، فقط اذیت می‌شوید و مدام باید مواظب باشید بلایی سر ماشینتان نیاید. اگر ماشین برای من باشد، برنامه‌های خوبی در ذهنم دارم. سال‌هاست می‌خواهم یک فیلم مستند

صرف ساخت چند مدرسه می‌کنم. با یک چنین پولی به راحتی می‌توان یک مدرسه در روستا و مناطق محروم ساخت.



معصومه

من اگر چنین ماشینی برنده شوم، شاید برای تفریح یکی دو بار با آن رانندگی کنم؛ اما در نهایت آن را می‌فروشم و پولش را



خواندن



پیش خواندن

آیا با کارت‌های بانکی موافق هستید؟ محاسن و معایب این کارت‌ها چیست؟

نکات ایمنی خرید با کارت بانکی



امتحان می‌کنند؛ بنابراین گذرواژه یا رمز کارت شما باید چند عدد بی‌ربط باشد. از گرفتن عکس از کارت خود و ارسال آن از طریق اینترنت خودداری کنید. اگر از فروشگاه‌های خرید کردید و دستگاه کارت خوان در انتهای فروشگاه بود، از فروشنده بخواهید دستگاه را نزدیک بیاورد تا خودتان رمز را وارد کنید و هیچ‌گاه رمز کارت خود را به فروشنده‌ها نگویید.

اگر کارت بانکی بدون استفاده دارید، آن را بشکنید. اگر کارت شما گم شد، خیلی سریع به یکی از شعبه‌های بانک مراجعه و کارت خود را غیرفعال کنید.

فراموش نکنید گذرواژه (رمز) کارت بانکی شما یک راز است؛ پس از ارسال یا حتی ذخیره آن در گوشی همراهتان خودداری کنید. بعضی‌ها فکر می‌کنند مناسب‌ترین کار برای حفظ رمز، نوشتن آن روی کاغذ است. این کار اصلاً صحیح نیست؛ چون امکان دارد رمز شما، در دسترس دیگران قرار گیرد. جمله معروفی است که می‌گوید: «رمز مانند مسواک است؛ آن را در اختیار هیچ‌کس نگذارید.»

رمز کارت خود را هرچند وقت یک بار تغییر دهید. نکته دیگر اینکه رمز کارت‌های بانکی را از شماره شناسنامه، شماره تلفن، تاریخ تولد و ... نگذارید. کلاه‌برداران و هکرها اول همین رمزها را

در حال حاضر بسیاری از فروشگاه‌ها مجهز به دستگاه‌های کارت خوان هستند. این دستگاه‌ها این امکان را فراهم می‌آورند تا مشتریان با آرامش و بدون نیاز به حمل پول نقد، خدمات مختلف مالی را انجام دهند. دستگاه‌های کارت خوان در سال‌های اخیر، خرید را برای مشتریان و فروشندگان بسیار ساده کرده است؛ اما گاهی خبرهای بدی هم در این باره به گوش می‌رسد. سارقان، به دلیل بی‌دقتی مردم، هرساله، میلیون‌ها تومان از حساب‌های بانکی آن‌ها سرقت می‌کنند. در این بخش با چند نکته امنیتی ساده آشنا می‌شویم که رعایت آن‌ها می‌تواند در محافظت از حساب‌های بانکی کمک کند.

تمرین

الف) در متن بالا به چه شیوه‌هایی برای امنیت کارت‌های بانکی اشاره شده است؟ فهرستی از این شیوه‌ها تهیه نمایید.

ب) با کمک هم کلاسی خود به شیوه‌های دیگری که برای امنیت کارت بانکی استفاده می‌شود، اشاره کنید.

ج) با اصطلاحات زیر چند جمله بسازید.

۱	مجهز بودن به
۲	به گوش رسیدن
۳	در دسترس کسی قرار دادن
۴	در اختیار کسی گذاشتن
۵	مراجعه کردن



حروف ربط

حروف ربط کلماتی هستند که دو یا چند گروه کوچک را به هم ربط می‌دهند. مثال: علی و رضا آمدند.
حروف ربط از نظر ساختار به دو دسته **ساده** و **مرکب** تقسیم می‌شوند.

حروف ربط مرکب

حروفی هستند که از بیش از یک کلمه تشکیل شده‌اند.

الف) «هم ... هم ...»

ب) «یا ... یا ...»

ج) «نه ... نه ...»

حروف ربط ساده

حروفی هستند که تنها از یک کلمه تشکیل شده‌اند.

مثال: علی و مرجان آمدند.

ب) «یا ... یا ...»: در این ساختار یکی از دو اتفاق رخ داده است.

او یا با اتوبوس می‌رود یا با تاکسی می‌رود.



او یا با اتوبوس می‌رود یا با تاکسی می‌رود.

او یا با اتوبوس می‌رود یا با تاکسی.

ج) «نه ... نه ...»: در این ساختار هیچ‌یک از دو اتفاق رخ نداده است.

نکته: در زمانی که از حروف مرکب ربط «نه ... نه ...» استفاده می‌کنیم، فقط می‌توانیم فعل دوم را از جمله حذف کنیم:

او نه با من به سینما می‌رود نه با برادرش به سینما می‌رود.



او نه با من به سینما می‌رود نه با برادرش.

الف) «هم ... هم ...»: در این ساختار هر دو اتفاق رخ داده است.

مثال: آن‌ها هم به اصفهان سفر کردند، هم به شیراز سفر کردند.

هم علی به خانه آمد، هم رضا به خانه آمد.

نکته: برای بیان اختصار و پرهیز از تکرار، می‌توان بخش‌های یکسان دو جمله را حذف کرد:

آن‌ها هم به اصفهان سفر کردند، هم به شیراز سفر کردند.



آن‌ها هم به اصفهان سفر کردند، هم به شیراز.

آن‌ها هم به اصفهان، هم به شیراز سفر کردند.

هم علی به خانه آمد، هم رضا به خانه آمد.



هم علی به خانه آمد، هم رضا.

هم علی هم رضا به خانه آمدند.

تمرین 

(الف)

- جمله‌های زیر را با حروف ربط و عبارات مناسب کامل کنید.
۱. احمد نه با خانواده‌اش به مسافرت می‌رود با دوستش به مسافرت می‌رود.
 ۲. هم حسین به دانشگاه رفت هم
 ۳. او یا با تاکسی به پارک می‌رود یا
 ۴. فرزانه دوستش به دانشگاه رفتند.
 ۵. سارا مریم از بازار آمدند.

(ب)

ساخت‌های بزرگ را مانند مثال به ساخت کوچک تبدیل کنید.

ساخت بزرگ

مثال: هم علی به بازار می‌رود هم برادرش به بازار می‌رود.

ساخت کوچک

الف) هم علی به بازار می‌رود هم برادرش .

ب) هم علی هم برادرش به بازار می‌روند .

۱. رضا یا با اتوبوس به مشهد می‌رود یا با هواپیما به مشهد می‌رود. (یا یا)

.....

۲. او نه به مدرسه می‌رود و نه به پارک می‌رود. (نه نه)

.....

۳. هم حامد در دانشگاه درس می‌خواند هم علی در دانشگاه درس می‌خواند.

.....

۴. فاطمه یا با برادرش از عراق می‌آید یا با دوستش از عراق می‌آید.

.....

۵. هم سارا دانشجوی خوبی است هم زینب دانشجوی خوبی است.

.....

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه نویسی



درس هفتم

تجارت و اقتصاد

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. درباره کسب و کارش توضیحاتی ارائه کند.
۲. درباره میزان درآمد و مخارجش صحبت کند.
۳. در رابطه با صرفه جویی و روش‌های آن اطلاعاتی داشته باشد.
۴. بتواند متنی را سریع بخواند.
۵. انواع نشانه‌های جمع فارسی و عربی را تشخیص دهد.

■ واژه‌های جدید

اقتصاد، ارث،
املاک، وارث،
مالیات، شریک،
اختلاف طبقاتی،
فقر، سرمایه، زیان،
خرج کردن، صدقه،
ربا، خمس، محتاج،
حلال، ثواب، فاکتور،
کارگاه، بودجه‌بندی،
اولویت، درآمد، مالی،
خرج کردن، جایگزین،
زیاده‌خواهی، بابت،
حراجی، تجمل‌گرایی،
متعدد، ولخرج،
اسراف کردن، آژیر،
رعایت حق تقدم،
ممتد، ضایع کردن حق،
قانون‌شکنی، سبقت،
زیر پا گذاشتن قانون.

واژه



هر جمله معنی کدامیک از سه واژه زیر آن است؟

<p>۱. ثروت، پول و اموال کسی که از دنیا رفته و پس از مرگ او این اموال به افراد دیگری داده می‌شود.</p> <p>الف. املاک ب. ارث ج. وارث</p>	<p>۲. قسمتی از ثروت افراد که برای هزینه‌های عمومی کشور به‌وسیله دولت دریافت می‌شود.</p> <p>الف. مالیات ب. املاک ج. اقتصاد</p>
<p>۳. کسی که پس از مرگ یک نفر، مالک اموال او می‌شود.</p> <p>الف. وارث ب. ارث ج. شریک</p>	<p>۴. علمی که به‌وسیله آن تولید و مصرف پول و اموال در یک کشور مطالعه می‌شود.</p> <p>الف. تجارت ب. ثروت ج. اقتصاد</p>
<p>۵. تفاوت مالی بین افراد ثروتمند و فقیر</p> <p>الف. فقر ب. اختلاف طبقاتی ج. ثروت</p>	<p>۶. پول، دارایی و اموال هر کس را گویند.</p> <p>الف. تجارت ب. ثروت ج. اقتصاد</p>
<p>۷. کم بودن پول و اموال یک فرد</p> <p>الف. فقر ب. مالیات ج. ثروت</p>	<p>۸. خرید و فروش کالا</p> <p>الف. املاک ب. اقتصاد ج. تجارت</p>
<p>۹. افرادی که باهم مالک یک چیز هستند.</p> <p>الف. شریک ب. وارث ج. اختلاف طبقاتی</p>	<p>۱۰. زمین، باغ، خانه و اموالی شبیه به این</p> <p>الف. اقتصاد ب. املاک ج. وارث</p>

پاسخ‌ها:



تمرین

- جمله‌های زیر را با استفاده از واژه‌های بالا کامل کنید. (هر جمله ممکن است بیش از یک پاسخ داشته باشد).
۱. من برای شروع تجارت خود پول و سرمایه کافی نداشتم؛ برای همین با یکی از دوستانم شدم.
 ۲. در بسیاری از کشورها دولت برای از بین بردن از مردم مالیات دریافت می‌کند.
 ۳. پدربزرگ من زیادی داشت که پس از فوت او پدر من همه آن‌ها را به ارث برد.
 ۴. در بسیاری از کشورها وضعیت تا حد زیادی به قیمت فروش نفت بستگی دارد.
 ۵. پرداخت به دولت کمک می‌کند تا بیشتر به مردم خدمت کند.
 ۶. مادربزرگ من زیادی داشت؛ برای همین پس از فوت ایشان ارث زیادی به پدر من رسید.
 ۷. فوتبال در این سال‌ها فقط یک ورزش نیست و خرید و فروش بازیکنان فوتبال به یک تبدیل شده است.

کارگروهی



نظر شما دربارهٔ موارد زیر چیست؟

سود ↔ زیان	قرض دادن ↔ قرض گرفتن	خرج کردن ↔ پس انداز کردن
در آغاز یک فعالیت اقتصادی نباید زیاد به سود و زیان آن فکر کرد. باید صبر کرد. گاهی یک اتفاق ساده می‌تواند تمام زیان‌های شما را جبران کند.	هر وقت از کسی پول قرض می‌گیرید یا پولی را به کسی قرض می‌دهید، قبل از هر چیز، زمان پس دادن پول را مشخص کنید.	برای آینده بدون هدف پول خود را پس انداز نکنید، اگر هدف خاصی (خرید خانه یا خودرو) ندارید، بدون دلیل زندگی را برای خود سخت نکنید. پولتان را خرج کنید و لذت ببرید.
<input type="checkbox"/> موافقم <input type="checkbox"/> مخالفم	<input type="checkbox"/> موافقم <input type="checkbox"/> مخالفم	<input type="checkbox"/> موافقم <input type="checkbox"/> مخالفم
چرا؟	چرا؟	چرا؟

شنیدن



به گفتگوی رادیویی زیر گوش دهید.

در این برنامه کارشناس به چهار موضوع مهم در اقتصاد اسلامی اشاره می‌کند. این چهار موضوع چیست؟

۱	صدقه
۲	قرض الحسنه
۳	ربا
۴	خمس

یک بار دیگر به این برنامه رادیویی گوش دهید؛

سپس مشخص کنید کدام یک از جمله‌های زیر درست و کدام یک نادرست است.

درست نادرست

۱	از نظر اسلام، اقتصاد یکی از جنبه‌های مهم زندگی انسان است.	
۲	مهم‌ترین هدف اقتصاد اسلامی کمک کردن به فقیران است.	
۳	از نظر اسلام مسلمانان باید به همه صدقه بدهند.	
۴	میزان صدقه‌ای که یک مسلمان باید بدهد، مانند خمس مشخص نیست.	
۵	«خمس» یک واژهٔ عربی و به معنی یک پنجم است.	
۶	مسلمانان باید خمس را به فقرا بدهند.	

یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنای اصطلاحات زیر را حدس بزنید.

۱	آن‌ها به نان شبشان محتاج هستند.
۲	امام صادق <small>علیه السلام</small> به دوستانشان سفارش می‌کردند،
۳	هر چه بیشتر بهتر.
۴	هدف اقتصاد اسلامی این است که اختلاف طبقاتی را از بین ببرد.



پیش گفتگو

- پس از فوت، پدر بزرگم ارث زیادی برای وارثانش گذاشت.
- پس از فوت پدر بزرگم ارث زیادی به پدرم رسید.
- من به قدری پول نیاز داشتم؛ برای همین از برادرم مقداری پول قرض گرفتم.
- من به قدری پول نیاز داشتم، برای همین برادرم مقداری پول به من قرض داد.
- من همراه به دولت مالیات می‌دهم.
- دولت همراه از من مالیات می‌گیرد.
- سال گذشته من از بانک وام گرفتم. آن‌ها همراه قسط وام را از حسابم برداشت می‌کنند.
- سال گذشته من از بانک وام گرفتم. من همراه قسط وام را به حسابم واریز می‌کنم.

گفتگو



- سلام سینا. چرا این قدر پکری؟
- سلام هادی. چطور بگویم؟ یک مقدار پول نیاز دارم، می‌توانی به من قرض بدهی؟
- چقدر لازم داری؟
- زیاد! حدود ۷ میلیون تومان.
- ۷ میلیون! خب، من این قدر پس انداز ندارم. راستش ماه پیش یک زمین خریدم و الان یک کمی دستم خالی است. حالا پول را برای چه می‌خواهی؟
- مادرم بیمارستان است. باید چشمش را عمل کنیم؛ ولی هزینه عملش خیلی زیاد است.
- این که مشکلی نیست. می‌توانی از صندوق قرض الحسنه مسجد محل ما وام بگیری.
- جدی می‌گویی؟ حالا قسط وامش چقدر است؟
- نگران نباش. وام قرض الحسنه است، قسطش خیلی زیاد نیست.
- ممنون. خدا به تو خیر بدهد.

- ممنون!
- خدا خیرت بدهد.
- این مقدار پول مشکلم را حل می‌کند.
- به پول بیشتری نیاز دارم.
- می‌توانم پول را قسطی برگردانم؟ / پس بدهم؟
- کمی دستم خالی است.

- می‌توانی یک مقدار به من پول قرض بدهی؟
- می‌توانم یک مقدار از تو پول قرض بگیرم؟
- از کجا می‌توانم یک مقدار وام بگیرم؟
- قسط این وام هر ماه چقدر است؟
- سود ماهیانه این حساب سپرده چند درصد است؟
- تا چه مقدار می‌توانم وام بگیرم؟

- می‌خواهم وام قرض الحسنه بگیرم.
- می‌خواهم خمس مالم را بپردازم.
- یک کمی پول به برادرم قرض دادم.
- من هر روز صدقه می‌دهم.
- باید پول‌هایم را در یک بانک اسلامی پس‌انداز کنم.
- به او ارث زیادی رسید.
- سال گذشته حدود ۲ میلیون مالیات پرداخت کردم.

بحث آزاد



پریسا فقط بیست و چهار سال دارد. سال گذشته شوهر او در یک حادثه رانندگی فوت کرد. پریسا یک پسر چهارساله دارد که باید از او مراقبت کند. خوشبختانه او خیاط خوبی است و اگر بتواند یک کارگاه کوچک خیاطی افتتاح کند، بسیاری از مشکلات اقتصادی او حل می‌شود. برای افتتاح کارگاه، پریسا به ۶ میلیون تومان نیاز دارد.

به نظر شما بهترین روش برای کمک به پریسا چیست؟



۶ میلیون تومان، پول چندان زیادی نیست. من خودم می‌توانم این پول را به او بدهم.

سپیده ✓



اگر بخواهد من می‌توانم یک وام شش میلیونی به او بدهم و او هرماه ۲۰۰ هزار تومان به من پس بدهد. با این کار بعد از دو سال و نیم هم قرض من را پس داده و هم کارگاهش را باز کرده.

ملیحه ✓



من با قرض دادن به دیگران مخالفم؛ مخصوصاً به کسی که توانایی کار کردن دارد. به نظرم باید او خودش کار کند و آینده خودش را بسازد. اگر او از اول عادت کند قرض بگیرد، همیشه بدهکار خواهد بود.

فرناز ✗



۲۰۰ هزار تومان در هرماه می‌تواند کمک زیادی به او بکند. از این گذشته، شاید به راحتی بتواند قسط‌هایش را پرداخت کند. این کار به او کمک می‌کند تا بتواند کارش را سریع‌تر شروع کند؛ اما ممکن است هرماه نگران پرداخت قسط وامش باشد.

سارا ✗



من می‌توانم با او شریک شوم. با این کار دیگر لازم نیست هرماه نگران قسط وامش باشد. سرمایه از من، کار از او. بعد پایان هرماه سود کارگاه را باهم تقسیم می‌کنیم.

فریبا ✓



این کار درستی نیست. همه کار را پریسا خانم انجام می‌دهد و شما ۵۰ درصد از سود را می‌گیرید. این عادلانه نیست.

شهره ✓



من یک کارگاه خیاطی دارم. اگر پریسا بخواهد می‌تواند برای من کار کند. من هرماه حقوق خوبی به او می‌دهم و دیگر لازم نیست او نگران مشکلات کارگاه باشد.

مهناز ✗



این که شما هرماه به پریسا حقوق می‌دهید، کار خوبی است؛ اما به نظر من او نباید برای شما کار کند. پریسا می‌تواند برای خودش یک کارگاه داشته باشد. او باید تلاش خودش را بکند.

معصومه ✗

۱. شما با نظر کدام یک از افراد بالا موافق هستید؟ چرا؟

۲. به نظر شما بهترین راه برای کمک به افرادی که در شرایط پریسا هستند، چیست؟



خواندن



پیش خواندن

آیا دخل و خرج شما با هم می خواند؟

متن زیر را یک بار سریع بخوانید و دو ردیف زیر را به هم وصل کنید.

درآمد ۱ مالی ۲ مخارج ۳ چه لزومی دارد ۴ مدیریت ۵ بودجه بندی ۶ اولویت ۷

اقتصادی برنامه ریزی نیاز نیست اداره کردن اهمیت حقوق هزینه ها

عادت های ناپسند مالی در خانواده ها

به یک عادت تبدیل شود. در این شرایط، فرد هر روز به دنبال یک چیز جدیدتر یا بزرگ تر است و از چیزی که دارد راضی نیست و دوست دارد بیشتر داشته باشد.

شاید از خود سؤال کنید چگونه می توانیم از عادت ها ناپسند مالی پرهیز کنیم. کارشناسان می گویند بهتر است همیشه برای خود یک **بودجه بندی** ماهانه و سالانه انجام دهید. باید برای زندگی مدیریت مالی داشته باشید. یک لیست از نیازهای خود تهیه کنید، سپس بر اساس **اولویت** آن را دسته بندی کنید. چیزهای مهم تر را در بالای لیست خرید بنویسید و چیزهای غیر ضروری را در قسمت پایین تر لیست قرار دهید و یا از لیست حذف کنید. با این کار می توانید هزینه مالی خانه را تنظیم کنید و حتی برای تفریح و مسافرت هم برنامه ریزی کنید.

می کنید، **مخارجتان** بیشتر می شود؛ زیرا فراموش می کنید چقدر پول دارید و پولتان را در کجا خرج می کنید. چند هزار تومان از این کارت و چند هزار تومان از کارت دیگر و ... در پایان ماه خواهید دید بیشتر از نیاز ماهانه خود خرج کرده اید!

«زیاده خواهی» نیز از جمله عادت های ناپسند مالی است. گاهی انسان از چیزهایی که دارد احساس رضایت نمی کند و همیشه به دنبال چیزهای بیشتری می گردد؛ مثلاً وقتی می تواند در آپارتمان ۱۰۰ متری زندگی کند، خود را به زحمت می اندازد و یک آپارتمان ۵۰۰ متری می خرد. با این تصمیم ناپسند، پولی که بابت ۴۰۰ متر اضافه پرداخت می کند، دچار مشکلات مالی می شود. وقتی نیازی به برنج اضافی نداریم، **چه لزومی دارد** که انباری خانه را با کیسه های بزرگ برنج پُر کنیم؟ حس زیاده خواهی می تواند کم کم

«دخل و خرج ما باهم نمی خواند». شاید این جمله را بارها از اطرافیان خود شنیده باشید. این جمله یعنی پولی که آن ها در یک ماه به دست می آورند کافی نیست و باید بیشتر کار کنند؛ اما وقتی با دقت به **درآمد** ماهانه آن ها نگاه می کنیم، متوجه می شویم که اتفاقاً درآمدشان برای یک ماه کافی است. پس مشکل کجاست؟ چرا این افراد همیشه در پایان ماه مشکل **مالی** دارند؟ یکی از پاسخ های کارشناسان این است که آن ها مدیریت صحیحی در خرج کردن ندارند و عادت های ناپسند مالی آن ها باعث به وجود آمدن این مشکلات می شود. در این متن بخشی از عادت های مالی و اقتصادی ناپسند را باهم مرور خواهیم کرد.

این روزها کارت های بانکی جایگزین پول نقد شده و خرید را برای همه آسان کرده است؛ اما تجربه، ثابت کرده، وقتی با کارت های متعدد خرید

تمرین

الف) در متن بالا به کدام یک از عادت های ناپسند مالی اشاره شده است؟

ب) آیا شما عادت ناپسندی در خرج کردن دارید؟ این عادت چیست؟ چگونه می توانید آن را از بین ببرید؟



نشانه‌های جمع

نشانه‌های جمع فارسی - نشانه‌های جمع عربی

جمع‌های عربی

به دلیل ارتباطات فرهنگی زیاد میان ایرانیان و عرب‌ها برخی از نشانه‌های جمع عربی به زبان فارسی وارد شده است. در زبان عربی واژه‌ها به دو صورت جمع بسته می‌شوند:

الف) جمع سالم

به جمعی گفته می‌شود که به آخر کلمه مفرد علامت‌های «ات، ون، ین» اضافه می‌شود.

مانند:

۱. ات: تنظیمات / تبلیغات / تفریحات
۲. ون: مؤمنون / روحانیون / صالحون
۳. ین: معلمین / مسلمین / محبین

ب) جمع مکسر

در این نوع جمع، پسوندی به ریشه اضافه نمی‌شود؛ بلکه شکل واژه کاملاً عوض می‌شود.

مانند:

- دفتر ← دفاتر
مجلس ← مجالس

جمع‌های فارسی

در زبان فارسی بیشتر واژه‌ها با «ها» یا «ان» جمع بسته می‌شوند.

مثال: کشاورز ← کشاورزان

کتاب ← کتاب‌ها

نکته

نشانه جمع «ها» هم برای جانداران و هم برای غیر جانداران استفاده می‌شود؛

مانند:

درخت‌ها، پرستارها، دکترها، میزها،
دفترها، مدادها و...

اما نشانه جمع «ان» تنها برای جانداران به کار می‌رود؛

مانند:

زنان، مردان، درختان، گیاهان،
جانوران و...

تمرین 

(الف) واژه‌های زیر را جمع ببندید. (برای هر واژه ممکن است چند پاسخ وجود داشته باشد.)

مفرد	جمع	مفرد	جمع
ورق		دختر	
شکل		پدر	
عمل		میز	
رادیو		کتاب	
مسلمان		ساعت	
گل		فرد	

(ب) در متن زیر دور واژه‌های جمع خط بکشید و نوع آن‌ها را مشخص کنید.

امروزه در کشورهای جهان صادرات نقش مهمی در اقتصاد دارد. تبلیغات برای فروش کالا و

محصولات بسیار مهم است. در بیشتر دانشگاه‌ها، درس‌های مربوط به بازرگانی تدریس می‌شود.

دانشمندان می‌گویند: «داشتن علم و دانش در تجارت و بازرگانی خیلی اهمیت دارد.»

(ج) متن درس را بخوانید. در متن کدام واژه‌ها با نشانه‌های زبان عربی جمع بسته شده‌اند؟

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه نویسی

۸

درس هشتم

اجاره کردن

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. صفت‌های مثبت و منفی برای توصیف خانه را بشناسد.
۲. بتواند یک خانه را به خوبی توصیف کند.
۳. نکات مهم دربارهٔ اجاره کردن خانه را بداند.
۴. بتواند به خوبی از ماضی استمراری استفاده کند.
۵. ناراحتی و افسوس از گذشته را در قالب ماضی استمراری بیان کند.

■ واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

- اجاره‌بها،
- مشاور املاک،
- اجاره‌نامه،
- پولِ پیش،
- قرارداد،
- نُقلی،
- دِنج،
- خَفه،
- دِلباز،
- دِلگیر،
- نوساز،
- جادار،
- فِسقلی،
- ترجیح دادن،
- کنتور،
- بالکن،
- نورگیر،
- باصفا،
- پیشاپیش،
- ایستگاه برق،
- پرس‌وجو کردن،
- چیدن،
- جویا شدن،
- مجزاء،
- افسوس،
- اظهار،
- شکایت کردن.

واژه



واژه‌های زیر مربوط به کدام تعریف هستند؟

اجاره‌بها	مشاور املاک (بنگاه)	اجاره‌نامه
پول پیش	صاحب‌خانه	مستأجر

پولی که بعد از اجاره کردن یک خانه به صورت ماهیانه به صاحب آن جا می‌پردازند.

فردی است که می‌خواهد خانه‌ای را اجاره کند.

دفتری است که در آن برای افرادی که می‌خواهند خانه یا مغازه‌ای را بخرند یا اجاره کنند، خانه پیدا می‌کنند و به آن‌ها مشاوره می‌دهد.

قراردادی که برای اجاره یک خانه یا مغازه امضا می‌کنند.

پولی که بعد از اجاره کردن یک خانه به صورت قرض به صاحب آن جا می‌دهند و پس از تمام شدن زمان اجاره پول را به شما پس می‌دهند.

فردی است که می‌تواند خانه‌ای را به یک فرد دیگر اجاره بدهد.

تمرین

کدام یک از صفات زیر معنی مثبت و کدام معنی منفی دارند؟

فِسْقَلِی	دل‌باز	خَفَه	باصفا	دِنَج	نُقْلِی
	جادار	کم‌نور	تَرَوْتِمِیز	نوساز	دَلْغِیر

-

.....

.....

.....

.....

.....

+

.....

.....

.....

.....

.....

کدام یک از صفات بالا فقط در محاوره کاربرد دارد؟ لطفاً بنویسید.

.....

.....

تقرین: شما برای اجاره یک خانه به چه نکاتی توجه می‌کنید؟

- ۱) ترجیح می‌دهم خانه در مرکز شهر باشد نباشد چون:
- ۲) ترجیح می‌دهم خانه در طبقه اول ساختمان باشد نباشد چون:
- ۳) ترجیح می‌دهم خانه حیاط و باغچه داشته باشد نباشد چون:
- ۴) ترجیح می‌دهم کنتور آب و برق خانه مشترک باشد نباشد چون:
- ۵) ترجیح می‌دهم پول پیش خانه زیاد باشد نباشد چون:

شنیدن



الف) به گفتگوهای زیر گوش بدهید سپس مشخص کنید آیا افراد، این خانه را اجاره می‌کنند یا خیر؟

- ۱۱ بله خیر چرا؟
- ۱۲ بله خیر چرا؟
- ۱۳ بله خیر چرا؟
- ۱۴ بله خیر چرا؟

ب) دوباره گفتگو را بشنوید و نکات جدول زیر را بخوانید. هر یک درباره کدام خانه صحیح است؟ این خانه...



<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱ در یک محله آرام و خلوت است.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲ در مرکز شهر است و به همه جا نزدیک است.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳ یک آشپزخانه دلگیر دارد.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴ یک پذیرایی دل باز دارد.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۵ به رنگ کاری نیاز دارد.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۶ نورگیر و بالکن دارد.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۷ یک حیاط باصفا با باغچه دارد.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۸ پول پیش و اجاره زیادی دارد.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۹ انباری دارد.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۰ کنتور آب، برق و گاز مشترک با همسایه‌ها دارد.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۱ نوساز است.

ج) یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنای جمله‌های زیر را حدس بزنید.

.....	۱ خوبی‌اش این است که ...
.....	۲ مجبورید با نور کم آشپزخانه بسازید.
.....	۳ تشریف بیاورید.
.....	۴ ارزشش را دارد.

شیک و باکلاس باشد.

در یک محله ساکت و آرام باشد.

آشپزخانه‌اش جادار و بزرگ باشد.

حیاط و باغچه داشته باشد.

شما چه خانه‌ای دوست دارید؟

دوست دارم خانه‌ای را اجاره کنم که ...

یک پنجره بزرگ در سالن پذیرایی داشته باشد.

مبلغ اجاره بهایش کم باشد (بالا نباشد).

در طبقه اول نباشد.

پله زیاد نداشته باشد.

آپارتمانی نباشد.

گفتگو



■ به به مبارک است! خانه‌ای که اجاره کردید چقدر بزرگ و شیک است.

□ ممنون عزیزم. خانه خیلی خوبی است؛ اما اجاره‌اش یک مقدار بالاست.

■ مگر اجاره‌اش چقدر است؟

□ ماهی یک میلیون تومان.

■ یک میلیون تومان؟! پول پیشش چقدر است؟

□ پول پیشش زیاد نیست. برای همین اجاره‌اش زیاد است.

■ اجاره‌اش زیاد است؛ اما سه تا اتاق خواب دارد و از خانه قبلی‌تان بزرگ‌تر است.

□ آره. خانه قبلی خیلی کوچک بود؛ بچه‌ها اذیت می‌شدند.

■ ان شاء الله به همین زودی‌ها یک خانه بزرگ بخرید و از مستأجری راحت بشوید.

□ خدا از زبانت بشنود.

- پول پیش آن چقدر است؟
- نورگیر دارد؟
- محله خوبی است.
- نزدیک ایستگاه مترو است.
- دو خط تلفن دارد.
- اتاق خواب‌هایش دنج است.
- پذیرایی‌اش دلگیر است.
- صاحب‌خانه خوبی دارد.

- خفه و دلگیر که نیست؟
- کنتور آب و برقش مشترک است؟
- آشپزخانه‌اش بزرگ است یا کوچک؟
- چند خوابه است؟
- اجاره‌اش چقدر است؟
- طبقه چندم است؟

- انباری هم دارد؟
- آسانسور دارد؟
- پله‌هاش زیاد است؟
- طبقه چندم است؟
- بالکن و نورگیر ندارد؟
- محله‌اش خلوت است؟
- حیاط و پارکینگ دارد؟



سلام. من مهران هستم ۳۰ ساله از قم. من و نامزدم چند وقتی است که یک مشکل کوچک داریم. جشن عروسی ما، ماه آینده است و باید تا هفته آینده یک خانه اجاره کنیم. ما برای اجاره کردن خانه، دو انتخاب داریم: یک خانه بزرگ و یک خانه کوچک. خانه بزرگ تر در شهرک پردیسان است. این شهرک بیرون از شهر است و وسایل حمل و نقل عمومی چندان مناسبی ندارد. برای همین اگر آن خانه را اجاره کنیم، باید هرروز با خودروی شخصی خودم نیم ساعت رانندگی کنم تا به محل کارم برسم؛ اما اگر خانه کوچک تر را اجاره کنم هرروز می توانم پیاده تا محل کارم بروم. هیچ کدام از دوستان و اعضای خانواده ما تا به حال در شهرک پردیسان زندگی نکرده اند و من نمی دانم شرایط زندگی کردن در آن جا چگونه است. به نظر شما کدام خانه را اجاره کنم؟

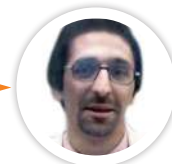


سلام. اول از همه، پیشاپیش ازدواجتان را تبریک می گویم و امیدوارم خوشبخت شوید. من حدود چهار سال است که در شهرک پردیسان زندگی می کنم. درست است که این شهرک از مرکز شهر دور است و من مجبورم هرروز یک ساعت برای رفت و آمد به محل کار رانندگی کنم؛ اما خوبی این جا این است که از شلوغی، ترافیک و سروصدای شهر دور است و وقتی بعد از ظهر خسته از محل کار به خانه برمی گردید، راحت می توانید استراحت کنید. به نظر من از فاصله زیاد خانه تان تا محل کار نترسید و خانه بزرگ تر را اجاره کنید.



سپهر

من با سپهر آقا موافق نیستم، دو سال پیش من و همسرم در شهرک پردیسان زندگی می کردیم. درست است که خانه ما خیلی بزرگ بود؛ اما مجبور بودیم بیشتر وقت روز را در ماشین باشیم؛ مثلاً اگر می خواستیم خرید کنیم و یا اگر می خواستیم به رستوران یا سینما برویم باید مدت زیادی رانندگی می کردیم. از این گذشته، هرماه باید کلی پول بنزین می دادیم؛ برای همین چند ماه بیشتر در آن جا نماندیم.



فرشاد

بله. چند ماه اول رفت و آمد سخت است؛ ولی خیلی زود عادت می کنید. خوبی این شهرک این است که کوچه های تمیزی دارد. از این گذشته چون ترافیک در آن جا نیست، هوای خیلی تمیز و پاکیزه ای دارد.



مهدی

مهم این است که اعضای خانواده تان نزدیک این شهرک زندگی می کنند یا نه؛ مثلاً اگر خواهر و برادرتان هم آن جا زندگی می کردند، خوب بود؛ ولی حالا که می گویند آن جا تنها هستید و آن ها با شما زندگی نمی کنند، فکر نمی کنم اجاره کردن این خانه بزرگ تر کار درستی باشد؛ چون ممکن است ارتباط شما با همه دوستان و خانواده تان کمتر شود.



مجید

۱. نظر شما درباره این پاسخ ها چیست؟

۲. او باید کدام خانه را اجاره کند؟

۳. اگر شما در این شرایط باشید، کدام خانه را انتخاب می کنید؟



خواندن



پیش خواندن

از نظر شما در زمان اجاره خانه توجه به کدام یک از موارد زیر مهم تر است؟

۱. میزان اجاره خانه ۲. محله خانه ۳. صاحب خانه ۴. نقشه خانه
- موارد دیگر:

نکته‌های مهم در اجاره کردن خانه



اگر شما هم مانند بسیاری افراد، مستأجر هستید؛ می‌دانید که برای اجاره خانه باید از **پیچ و خم‌های زیادی عبور کنید**. پیدا کردن خانه جدید و امضای قرارداد قدم اول است؛ اما پیش از امضا نکات بزرگ و کوچک بسیاری وجود دارند که باید به آن‌ها خوب توجه کنید. شما می‌توانید با انتخاب یک زمان مناسب و داشتن یک برنامه‌ریزی دقیق، بدون هیچ نگرانی و عجله، منزل مناسبی را اجاره کنید.

قبل از امضای قرارداد، محله خانه را خوب بررسی کنید و به شرایط مختلفی مثل شلوغی و خدمات عمومی آن توجه کنید؛ مثلاً خانه‌ای را انتخاب کنید که به بیمارستان، بانک و یا پارک نزدیک باشد؛ همچنین دقت کنید منزل شما از بزرگراه، پمپ بنزین و ایستگاه‌های برق فاصله داشته باشد. از همسایه‌ها درباره صاحب خانه آینده و اخلاق وی **پرس و جو کنید**. منزلی را انتخاب کنید که هنگام بازدید شما، خالی باشد؛ یعنی مستأجر قبلی

یا مستطیل باشد تا بتوان به بهترین شکل لوازم منزل را در آن چید و مهم‌ترین که بهترین خانه، خانه‌ای است که کنتورهای گاز، آب و برق آن از واحدهای دیگر جدا باشد. نکته آخر این که برای اجاره خانه، باید اول از همه **نظر خانم خود را جویا شوید**؛ چون معمولاً همسر شما، زمان بیشتری از روز را در خانه می‌گذراند.

گرفتن گاز، یخچال، ماشین لباسشویی و ظرف‌شویی را خوب **بازدید کنید**.

به نحوه قرار گرفتن سرویس بهداشتی منزل بسیار حساس باشید. سعی کنید خانه‌ای اجاره کنی که سالن آن، مربع

تمام اسباب و وسایل خود را از آن جا برده باشد، زیرا می‌توانید به طور دقیق از تمام امکانات خانه آگاه شوید؛ مثلاً آشپزخانه منزل را خوب بررسی کنید. تعداد کابینت و نحوه قرار

تمرین



تصور کنید قصد دارید منزلی را اجاره کنید. با توجه به نکات موجود در متن با کمک هم کلاسی‌های خود فهرستی از سؤالات مهم پیش از اجاره یک منزل تهیه کنید.

مثال: کنتور آب این منزل مشترک است یا مجزا؟

الف

ب) به فهرست خود چند سؤال دیگر اضافه کنید که در متن به آن‌ها اشاره‌ای نشده.

ب

ج) یک بار دیگر متن را بخوانید و درباره معنای واژه‌های رنگی با یکدیگر بحث کنید.

ج



ماضی استمراری

این فعل معمولاً برای نمایش تکرار و استمرار کاری در گذشته استفاده می‌شود.

روش ساخت: می + بن ماضی + شناسه

مثال: می‌رفتم، می‌رفتی، می‌رفت، می‌رفتیم، می‌رفتید، می‌رفتند

اظهار ناراحتی، افسوس و پشیمانی

در زبان فارسی هنگامی که می‌خواهیم ناراحتی، افسوس و اظهار پشیمانی خود را از انجام شدن یا نشدن کاری در زمان گذشته نشان دهیم، از فعل ماضی استمراری همراه با واژه‌های «باید»، «ای‌کاش» و «کاشکی» استفاده می‌کنیم.

باید / کاش / کاشکی + ماضی استمراری



باید/کاش می‌رفت	باید/کاش می‌رفتی	باید/کاش می‌رفتم
باید/کاش می‌رفتند	باید/کاش می‌رفتید	باید/کاش می‌رفتیم

من **باید** قبل از اجاره‌خانه با پدرم مشورت **می‌کردم**. (اما نکردم)
کاش این خانه را اجاره **نمی‌کردم**. (اما اجاره کردم)

نکته

هنگامی که از «کاش» استفاده می‌کنیم، می‌توانیم نهاد جمله را از جمله حذف کنیم و یا بعد از «کاش» بیاوریم.

مانند: کاش **من** همراه پدرم می‌رفتم.



کاش همراه پدرم می‌رفتم.

تمرین 

الف) مصدرهای زیر را با استفاده از واژه‌های «باید، کاش» به ماضی استمراری تبدیل کنید.

کاش درس می خواند.	مثال: کاش/خواندن (او)	
.....	باید/ با دقت بررسی کردن (تو)	۱
.....	باید/ از صاحب خانه پرسیدن (شما)	۲
.....	کاش/ خوردن (آنها)	۳
.....	کاشکی/ نشستن (ما)	۴
.....	ای کاش/ شنیدن (او)	۵

ب) با استفاده از واژه‌های «باید و کاش» و مصدرهای زیر ۵ جمله بنویسید که در آن افسوس و پشیمانی باشد.

رفتن	خواندن	پوشیدن	خریدن	خوردن
تصمیم گرفتن	شکایت کردن	قرض گرفتن	صحبت کردن	اجاره کردن

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه نویسی

۹

درس نهم

نگرانی و تردید

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. بتواند نگرانی‌هایش را بیان کند.
۲. علت نگرانی دیگران را حدس بزند.
۳. دیگران را دل‌داری بدهد.
۴. چند روش مقابله با اضطراب (نگرانی) را بشناسد.
۵. نشانه‌های استرس را بداند.

■ واژه‌ها و

اصطلاح‌های جدید

- پاره شدن، دزدگیر، فرصت کردن، مرخصی گرفتن، دسته‌گل به آب دادن، یکهو، تنبیه، بند دل پاره شدن، واکنش، غافلگیر، خدای نکرده، بد به دل راه دادن، مثل سیر و سرکه جوشیدن دل، آرام‌بخش، مواجه شدن، نشأت گرفتن، بهبود، پشت سر گذاشتن، سرگیجه، مشکلات گوارشی، سیستم ایمنی، مدام، فراموش‌کاری، شوخی کردن، درشت، غصه خوردن، خمیازه کشیدن.

واژه



(الف) موقعیت‌های زیر را بخوانید و با توجه به جمله‌های روبه‌رو آن‌ها را کامل کنید.
(هر قسمت ممکن است چند پاسخ داشته باشد)

شاید اتفاق بدی افتاده باشد!



الف. شاید با دوستش دعوا کرده باشد.

ب. شاید فراموش کرده باشم در را قفل کنم.

پ. شاید تلفنش را جا گذاشته باشد.

ت. شاید حالش بد شده باشد.

ث. شاید دزد آمده باشد.

ج. شاید تصادف کرده باشد.

چ. شاید امتحانش را خراب کرده باشد.

ح. شاید تلفن او خراب شده باشد.

خ. شاید در ترافیک مانده باشد.

د. شاید خواب باشد.

۳. همسر شما معمولاً ساعت ۴:۰۰ بعدازظهر از محل کار به خانه می‌آید. الان ساعت ۵:۰۰ بعدازظهر است، او هنوز به خانه برگشته و تلفنش را هم جواب نمی‌دهد. نگران می‌شوید و با خود می‌گویید:

۲. پسر شما به خانه می‌آید. لباس او پاره شده و از بینی‌اش خون می‌آید. نگران می‌شوید و با خود می‌گویید:

۱. شما از محل کار به خانه می‌آیید. زمانی که می‌خواهید در خانه را باز کنید متوجه می‌شوید که در باز است. نگران می‌شوید و با خود می‌گویید:

۶. پدر شما در خانه تنها زندگی می‌کند. او ۷۵ ساله است و بیماری قلبی دارد. شما هرروز به دیدن او می‌روید. امروز فرصت نکرده‌اید به خانه پدرتان بروید. با او تماس گرفتید؛ اما او تلفن را جواب نمی‌دهد. نگران می‌شوید و با خود می‌گویید:

۵. شما در خانه نشسته‌اید و تلویزیون تماشا می‌کنید. ناگهان صدای دزدگیر ماشینتان بلند می‌شود. نگران می‌شوید و با خود می‌گویید:

۴. دختر شما از مدرسه به خانه می‌آید. خیلی عصبانی به اتاقش می‌رود، در را می‌بندد و ناهارش را نمی‌خورد. نگران می‌شوید و با خود می‌گویید:

(ب) برای هر یک از موقعیت‌های بالا یک حدس و گمان جدید بنویسید.

.....	۱
.....	۲
.....	۳
.....	۴
.....	۵
.....	۶

شنیدن



(الف) به نیمه اول ماجراهای زیر گوش دهید و حدس بزنید چه اتفاقی افتاده است.



الف. شاید دزد به خانه آمده باشد.
ب. شاید همسایه اشتباه کرده باشد.
ج. شاید یک گربه به خانه او آمده باشد.
د. هیچ کدام:



الف. شاید با دوستش دعوا کرده باشد.
ب. شاید حالش بد شده و او را به بیمارستان برده باشند.
ج. شاید پسر او در یکی از مسابقات ورزشی مدرسه برنده شده باشد.
د. هیچ کدام:



الف. شاید پسرش دستش را بریده باشد.
ب. شاید مادرش دستش را بریده باشد.
ج. شاید پرنده آن‌ها مرده باشد.
د. هیچ کدام:



الف. شاید مادر خاتمش را به بیمارستان برده باشند.
ب. شاید برادر خاتمش تصادف کرده باشد.
ج. شاید پسرش را به بیمارستان برده باشند.
د. هیچ کدام:

(ب) با توجه به داستان اتفاقات زیر را به ترتیب از ۱ تا ۵ شماره بزنید.



..... همسایه با او تماس می‌گیرد.
..... او با پلیس تماس می‌گیرد.
..... مادر او مریض شد.
..... او با عجله به خانه می‌رود.
..... همسایه از خانه او سروصدایی می‌شنود.



..... مدیر مدرسه برای او پیام صوتی گذاشت.
..... او نگران شد که حال پسرش در مدرسه بد شده باشد.
..... او به مدرسه پسرش رفت.
..... پسر او از بیمارستان مرخص شد.
..... او پسرش را در دفتر مدیر مدرسه دید.



..... او مرخصی گرفت.
..... او دید که لباس پسرش پر از خون است.
..... او با خانه تماس گرفت و کسی تلفن را پاسخ نداد.
..... او با تلفن همراه مادرش تماس گرفت و او تلفنش را پاسخ نداد.
..... مادرش به خانه او آمد.



..... او از مغازه تا خانه دوید.
..... او خواهر و برادرهایش را دید.
..... خاتمش با گریه با او تماس گرفت.
..... او در مغازه را بست.
..... او با گوشی همراه با خاتمش تماس گرفت.

(ج) یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنای جمله‌های زیر را حدس بزنید.

.....	۱ فهمیدم پسرم چه دسته‌گلی به آب داده.
.....	۲ یکهو به ذهنم رسید که ...
.....	۳ برق‌ها روشن شد.
.....	۴ بند دلم پاره شد.

کارگروهی



- (?) ۱. آیا در حال حاضر نگران موضوعی هستید؟
۲. معمولاً اگر اتفاق بدی بیفتد، اولین واکنش شما چیست؟
۳. شما برای از بین بردن نگرانی خود چکار می‌کنید؟

نگرانی‌ها:

نکند پسر در امتحان قبول نشود.

می‌ترسم پسر در امتحان قبول نشود.

می‌ترسم خدای نکرده پسر در امتحان قبول نشود.

نگرانم که پسر در امتحان قبول نشود.

جمله‌های دعایی برای هنگام نگرانی:

خدا کند پسر در امتحان قبول شود.

ان شاء الله که پسر در امتحان قبول می‌شود.

دعا کنید پسر در امتحان قبول شود.

همدردی:

نگران نباشید.

نگران نباشید، خدا بزرگ است.

بد به دلتان راه ندهید.

خودتان را ناراحت نکنید.

نگران هستیم:

دل‌م شور می‌زند.

دل‌م مثل سیر و سرکه می‌جوشد.

گفتگو



- سلام لیلا خانوم. چیزی شده؟ چرا این قدر نگران هستید؟
- سلام. پسر من هنوز از مدرسه برنگشته. خیلی دیر کرده.
- خُب، زنگ می‌زدید به مدرسه.
- زنگ زدم؛ اما مدرسه تلفن را جواب نداد. می‌ترسم خدای نکرده اتفاقی افتاده باشد.
- بد به دلت راه نده! ان شاء الله که الان پیدایش می‌شود. نگاه کنید. آن پسران نیست؟
- آره خودش است. امان از دست این بچه. حتماً باز هم رفته بوده با دوستانش توی پارک بازی کند.
- حالا دیگر خودتان را ناراحت نکنید. خدا را شکر که حالش خوب است.

- نکند پسر در امتحان قبول نشود.
- می‌ترسم پسر در امتحان قبول نشود.
- می‌ترسم خدای نکرده پسر در امتحان قبول نشود.
- نگرانم که نکند پسر در امتحان قبول نشود.
- خدا کند پسر در امتحان قبول شود.
- ان شاء الله که پسر در امتحان قبول می‌شود.
- دعا کنید پسر در امتحان قبول شود.
- شاید با دوستش دعا کرده باشد.
- شاید فراموش کرده باشم در را قفل کنم.
- شاید تلفنش را جا گذاشته باشد.
- شاید حالش بد شده باشد.
- شاید دزد آمده باشد.
- شاید تصادف کرده باشد.
- شاید امتحانش را خراب کرده باشد.
- شاید گوشی او خراب شده باشد.
- شاید در ترافیک مانده باشد.
- شاید خواب باشد.
- دل‌م شور می‌زند.
- دل‌م مثل سیر و سرکه می‌جوشد.
- نگران نباشید.
- نگران نباشید، خدا بزرگ است.
- بد به دلتان راه ندهید.
- خودتان را ناراحت نکنید.
- فهمیدم پسر چه دسته‌گلی به آب داده.
- بند دل‌م پاره شد.

بحث آزاد



- استرس چیست؟
 - چه عواملی باعث می‌شود، شما استرس داشته باشید؟ کار می‌کنید؟
 - آیا در طول چند ماه گذشته در شرایط پر استرس - به نظر شما چگونه می‌توان استرس را کاهش داد؟
 قرار گرفته‌اید؟



من هر وقت استرس دارم، فقط یک کار آسان می‌کنم. ده بار ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله» را می‌گویم و بعد دوباره کارهایم را آغاز می‌کنم. این ذکر را در یک روایت خواندم. به نظرم روش مناسبی است. حداقل به من خیلی کمک کرده است.

فرید



من هر وقت استرس دارم معمولاً سردرد می‌گیرم؛ برای همین چند عدد قرص آرام‌بخش می‌خورم. قرص‌های آرام‌بخش خیلی به من کمک می‌کنند و خیلی زود استرس من را از بین می‌برند.

مرتضی



خوردن آرام‌بخش کار درستی نیست. این کار حتماً باید با مشورت پزشک انجام شود. من هر وقت استرس دارم با پدرم صحبت می‌کنم. پدرم آدم خیلی آرامی است؛ برای همین هر وقت با مشکلی مواجه می‌شوم و استرس می‌گیرم، اگر چند دقیقه با او صحبت کنم، کاملاً آرام می‌شوم.

نیما



من سعی می‌کنم چند ساعت بخوابم. خوابیدن خیلی مؤثر است؛ البته بعضی از دوستانم می‌گویند وقتی استرس داریم، نمی‌توانیم بخوابیم. اگر قبل از خوابیدن یک دوش آب گرم بگیرید، راحت‌تر می‌خوابید.

احمد



ورزش. به نظر من بهترین روش برای از بین بردن استرس ورزش است. هر وقت احساس می‌کنم استرس دارم یا از موضوعی نگران هستم، به استخر می‌روم و چند ساعت شنا می‌کنم. این کار معمولاً خیلی من را آرام می‌کند.

اشکان



من همیشه نماز می‌خوانم. وقتی نماز می‌خوانی و مشکلات را با خدا می‌گویی استرس‌ها از بین می‌رود. صحبت کردن با خدا خیلی من را آرام می‌کند.

فرامرز



هر وقت موضوعی باعث می‌شود استرس داشته باشم، به پارک نزدیک خانه‌مان می‌روم و در آن جا کمی قدم می‌زنم. به نظرم این کار خیلی مناسب است و من را کاملاً آرام می‌کند.

علی



نظر شما چیست؟



خواندن



پیش خواندن

آیا تا به حال در بخشی از زندگی تان دچار استرس بوده‌اید؟ از نظر شما نشانه‌های استرس چیست؟

متن را سریع بخوانید و معنای اصطلاحات زیر را با توجه به آن حدس بزنید.

پشت سر گذاشتن

غصه چیزی را خوردن

سر کسی شلوغ بودن

به سراغ کسی آمدن

از چیزی نشأت گرفتن

نشانه‌هایی از استرس در زندگی روزمره

گذاشته‌اید یا قرار ملاقات را فراموش می‌کنید، به احتمال زیاد استرس دارید و باید به روان‌پزشک مراجعه کنید.

افرادی که استرس دارند احساساتی می‌شوند. همیشه **غصه گذاشته‌ها را می‌خورند** و یا اگر کسی با آن‌ها کمی شوخی کند، خیلی زود عصبانی می‌شوند؛ بنابراین اگر متوجه شدید از شوخی دوستانمان مانند سابق لذت نمی‌برید، ممکن است استرس داشته باشید.

با توجه به نشانه‌های ذکر شده، بهتر است وقتی دچار استرس می‌شوید، آرامش خود را حفظ کنید تا راحت‌تر این دوره را **پشت سر بگذارید**. اسلام در این باره توصیه‌های مفیدی دارد که در هنگام استرس می‌توانید به آن‌ها عمل کنید. وضو گرفتن، نماز خواندن و یا حمام کردن از جمله این توصیه‌ها است.

است. وقتی خوابتان دچار مشکل باشد، **بیماری در مدت کوتاهی به سراغتان می‌آید**. چون بدن‌تان در این دوره پراسترس، بیش از حد کار کرده و فرصتی برای بهبود یافتن از بیماری‌های کوچک و ساده را نداشته است. گاهی سردرد و بدن درد دارید و گاهی سرگیجه و مشکلات گوارشی پیدا می‌کنید. مطالعات نشان می‌دهد، وقتی دچار استرس هستید، سیستم ایمنی بدن شما حدود ۳۰٪ ضعیف‌تر می‌شود.

یکی دیگر از نشانه‌های استرس فراموش‌کاری است. بیشتر وقت‌ها دلیل استرس شما این است که به احتمال فراوان **سرتان شلوغ شده است**. کار زیاد و مسئولیت‌های مختلف، توجه به همه نکات ریز و درشت را برایتان مشکل می‌کند. اگر بعضی وقت‌ها یادتان نمی‌آید، کلیدهای تان را کجا

همه ما تا به حال استرس را تجربه کرده‌ایم؛ مثلاً قبل از آزمون یا یک قرار ملاقات مهم استرس داشته‌ایم. گاهی استرس بخشی از زندگی روزمره ما می‌شود؛ بنابراین، بهتر است نشانه‌های آن را بشناسیم.

افرادی که استرس دارند کم‌خواب می‌شوند. عجیب آن‌که با وجود خستگی شدید، وقتی دچار استرس هستید، خوابیدن برایتان دشوارتر می‌شود. **این نوع بی‌خوابی از این نشأت می‌گیرد** که نمی‌توانید به مشکلات زندگی فکر نکنید. به دلیل بی‌خوابی روزهای گذشته، روز بعد خسته‌تر هم خواهید بود. این خستگی، مقدار استرس شما را افزایش می‌دهد.

اگر مدتی است که زیاد مریض می‌شوید، به احتمال زیاد استرس دارید. دلیل این بیماری‌های پشت سر هم مشخص

با توجه به متن آیا احتمال استرس در این افراد وجود دارد؟ چرا؟

چرا؟

احتمال استرس وجود

دارد ندارد

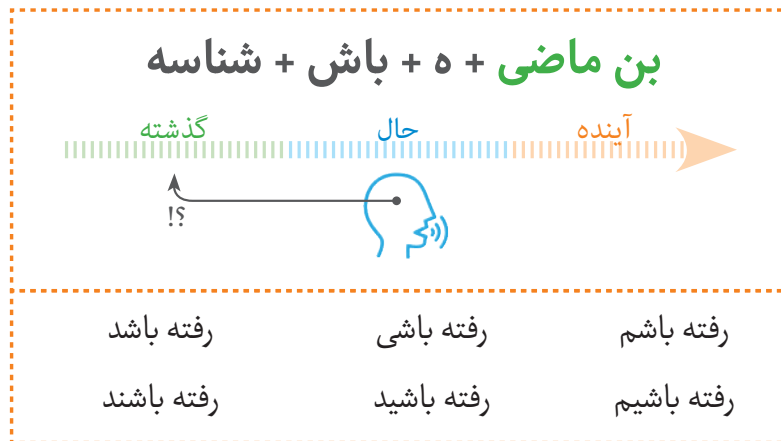
توصیف

		۱. همسر شما روز تولدتان را فراموش می‌کند.
		۲. خواهر شما چند وقتی است که مدام با شما دعوا می‌کند.
		۳. چند ماه است که دوست دارید به مسافرت بروید.
		۴. هم‌کلاسی شما در کنارتان نشسته و خیلی خمیازه می‌کشد.
		۵. مادرتان دو هفته است که سرما خورده است.
		۶. دوست شما چند وقتی است که چاق شده است.



کاربرد ماضی التزامی در «تردید»

ساختار این فعل به شکل زیر است:



کاربرد: یکی از کاربردهای ماضی التزامی بیان «شک و تردید» است.

ب) گوینده کاملاً اطمینان ندارد که فعلی در گذشته رخ داده است:

باید + ماضی التزامی

دوستم **باید** دیروز از مسافرت برگشته باشد.
آنها **باید** پارسال در آزمون شرکت کرده باشد.

الف) گوینده شک دارد که فعلی در گذشته رخ داده است:

شاید + ماضی التزامی

شاید دوستم دیروز از مسافرت برگشته باشد.
شاید آنها پارسال در آزمون شرکت کرده باشند.

پ) گوینده آرزو می‌کند که اتفاقی در گذشته یا حال و یا تا یک زمان خاص در آینده رخ داده باشد. (یادآوری)

کاش/خدا کند/... + ماضی التزامی

خدا **کند** دوستم تا فردا از مسافرت برگشته باشد.
کاش دوستم تا الان از مسافرت برگشته باشد.
خدا **کند** دوستم دیروز از مسافرت برگشته باشد.

تمرین 

الف) جمله‌های زیر را با «فعل ماضی التزامی» کامل کنید.

۱. پدرم می‌خواست به مسافرت برود، او باید (رفتن)
۲. او گرسنه بود، شاید غذا (خوردن)
۳. حامد و علی به سینما رفتند، شاید آن فیلم را (دیدن)
۴. شاید پیامم را که هنوز با من تماس نگرفته است. (خواندن)
۵. آن‌ها تلفن را جواب ندادند، به احتمال زیاد الان باید (خوابیدن)

ب) با استفاده از واژه‌های «ای‌کاش، باید، شاید» مصدرهای زیر را به ماضی التزامی تبدیل کنید و با آن جمله بسازید.

مصدر فعل ماضی التزامی جمله

مثال: بردن	برده باشند	شاید آن‌ها، بچه‌ها را به پارک برده باشند.
۱ دیدن
۲ گفتن
۳ آمدن
۴ خوردن
۵ رفتن
۶ خوابیدن
۷ مریض شدن
۸ بازگردن

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه نویسی



درس دهم

قانون و تنبیه

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. با بعضی از قوانین ایران آشنا شود.
۲. بتواند قوانین مختلف را توضیح دهد.
۳. علت وضع بعضی از قانون‌ها را بداند.
۴. جمله‌های شرطی را تشخیص دهد.
۵. به خوبی از جمله‌های شرطی استفاده کند.
۶. تفاوت جمله‌های شرطی ممکن و ناممکن را بداند.

■ واژه‌ها و

اصطلاح‌های جدید

جرم،
محسوب شدن،
مجازات،
مواد مخدر،
قمار،
شرط‌بندی،
نوشیدنی الکلی،
قاچاق،
مؤلفه،
مشروبات،
رشوه،
آلات،
خونگرم،
لباس پوشیده.

واژه

قانون



رانندگان در ایران نباید
می‌توانند
اجازه ندارند
حق ندارند با سرعت بیشتر از ۱۲۰ کیلومتر در ساعت رانندگی کنند.

رانندگی با سرعت بیشتر از ۱۲۰ کیلومتر در ساعت در ایران جرم
ممنوع
غیرقانونی است.

تمرین

کدام یک از موارد زیر در کشور شما جرم است؟ درباره آن گفتگو کنید.

۲. سیگار کشیدن

جرم است نیست
مجازات: زندان جریمه



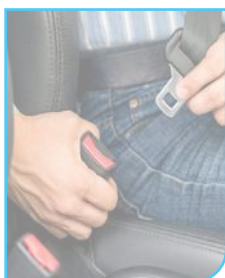
۱. سرقت

جرم است نیست
مجازات: زندان جریمه



۴. رانندگی بدون کمربند ایمنی

جرم است نیست
مجازات: زندان جریمه



۳. خرید، فروش و مصرف مواد مخدر

جرم است نیست
مجازات: زندان جریمه



۶. خرید، فروش و مصرف نوشیدنی‌های الکلی

جرم است نیست
مجازات: زندان جریمه



۵. قمار و شرط‌بندی

جرم است نیست
مجازات: زندان جریمه



۸. قاچاق کالا

جرم است نیست
مجازات: زندان جریمه



۷. کشتن حیوانات

جرم است نیست
مجازات: زندان جریمه



شنیدن



(الف) به گفتگوی رادیویی زیر گوش دهید. مهمان برنامه به پنج نکته اشاره می‌کند که مسافری ایران باید به آن توجه کنند. این ۵ نکته چیست؟ آیا در این قوانین استثنائی وجود دارد؟

قانون	دارد	استثنا ندارد	مگر این که ...
۱ پوشش	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	
۲ مشروبات الکلی	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	
۳ قمار	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	
۴ دارو	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	
۵ رشوه	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	

(ب) یک بار دیگر به برنامه رادیویی گوش دهید. کدام یک درست و کدام یک نادرست است.

درست نادرست

۱	تویبایس سال گذشته از دانشگاه مجازی المصطفی فارغ‌التحصیل شده است.	
۲	چون ایران یک کشور اسلامی است؛ پس نوع پوشش گردشگران در مکان‌های عمومی بسیار مهم است.	
۳	نوع پوشش ایران برای تویبایس خیلی سخت نیست؛ چون او همیشه لباس پوشیده می‌پوشد.	
۴	وارد کردن مشروبات الکلی، آلات قمار و مواد مخدر به ایران کاملاً ممنوع است.	
۵	چون تهیه دارو در ایران قدری دشوار است، پلیس ایران با نسخه پزشک به افراد اجازه می‌دهد تا به ایران دارو وارد کنند.	
۶	اگر گردشگری بخواهد به پلیس رشوه بدهد، بر اساس قوانین جمهوری اسلامی از ایران اخراج می‌شود.	

(ج) یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنای اصطلاحات زیر را حدس بزنید.

۱	با برنامه «ایرانگردان» مهمان خانه شما هستیم.
۲	لباس بدن نما
۳	او بعد از چند روز به آن عادت کرد.
۴	سعی نکنید به پلیس ایران رشوه بدهید.
۵	سفر کردن به ایران شیرین است.

کارگروهی



- با توجه به متن شنیدن و قوانین ایران، به نظر شما آیا سفر کردن به ایران دشوار است؟
- اجرای کدام یک از قوانین ایران برای شما مشکل است؟
- شما کدام یک از این قوانین جمهوری اسلامی ایران را دوست دارید؟ چرا؟



نام هر یک از تابلوهای زیر چیست؟

توقف ممنوع
حد اکثر سرعت ۵۰ کیلومتر در ساعت

سبقت ممنوع
پارکینگ

دور زدن ممنوع
محل عبور عابر پیاده

ورود ممنوع
خیابان یک طرفه

بوق زدن ممنوع

گفتگو



- (آژیپ پلیس). خودروی قرمز رنگ بزن کنار، خودروی قرمز رنگ سریع توقف کن!
- سلام آقای پلیس، اتفاقی افتاده؟
- سلام. برادر من، این خیابانی را که دارید، در آن رانندگی می‌کنید، یک طرفه است. شما نمی‌توانید از این سمت حرکت کنید. ورود ممنوع است.
- جدی می‌گویید؟ متوجه نشدم.
- گواهینامه رانندگی تان را لطف کنید.
- ببخشید. من تابلوی «ورود ممنوع» را ندیدم. می‌شود این بار جریمه نکنید؟
- نه! موقع رانندگی باید حواستان را کامل جمع کنید. ممکن بود تصادف کنید.

- محل عبور عابر پیاده
- خیابان یک طرفه
- دور زدن ممنوع
- توقف ممنوع
- ورود ممنوع
- بوق زدن ممنوع
- رعایت حق تقدم
- حد اکثر سرعت ۵۰ کیلومتر در ساعت
- سبقت ممنوع
- پارکینگ

- جریمه
- زندان
- خط ممتد (سبقت ممنوع)
- خط متقاطع (سبقت آزاد)
- خط عابر پیاده (محل عبور عابر پیاده)

- سرقت
- سیگار کشیدن
- کشتن حیوانات
- قاچاق کالا
- خرید، فروش و مصرف مواد مخدر
- رانندگی بدون کمربند ایمنی
- قمار و شرط بندی
- خرید، فروش و مصرف نوشیدنی‌های الکلی



ساعت حدود ۲ بعد از ظهر است. ترافیک سنگین در یک ظهر تابستانی. شما و همسرتان پشت چراغ قرمز ایستاده‌اید و تعداد زیادی ماشین هم پشت سر شما منتظرند تا چراغ سبز شود. به محض این که چراغ سبز می‌شود و شما می‌خواهید حرکت کنید، پیرمردی با عصا و چند پاکت میوه آرام آرام روی خط عابر پیاده می‌آید و می‌خواهد از خیابان رد شود. چراغ عابران پیاده قرمز است؛ اما پیرمرد به آن توجه نمی‌کند و می‌خواهد از خیابان رد شود. شاید هم چون چشمانش ضعیف است، چراغ قرمز را ندیده. حال شما باید یکی از این دو کار را بکنید:

۱. برای پیرمرد بوق بزنید تا متوجه شود، چراغ قرمز است و خودتان از چهارراه عبور کنید.
۲. صبر کنید تا پیرمرد از چهارراه عبور کند و بعد شما از چهارراه عبور کنید. به نظر شما کدام کار صحیح‌تر است؟

من صبر می‌کنم تا پیرمرد رد شود. رد شدن آن پیرمرد ۱۰ ثانیه بیشتر طول نمی‌کشد. اگر ۱۰ ثانیه صبر کنم، هیچ اتفاقی نمی‌افتد.



حسن

بله حسن جان برای شما اتفاقی نمی‌افتد؛ اما تعداد زیادی ماشین پشت سر شما ایستاده‌اند و منتظرند تا از چهارراه رد شوند. حتی ممکن است بعضی از آن‌ها به خاطر این ۱۰ ثانیه نتوانند از چهارراه رد شوند و مجبور باشند مدت بیشتری منتظر بمانند. شما دارید حق آن‌ها را ضایع می‌کنید. به نظر من شما باید بوق بزنید و از چهارراه رد شوید.



سپهر

به نظر من اگر ماشین‌های عقبی هم به جای شما باشند، صبر می‌کنند تا پیرمرد رد شود. هیچ‌کس دوست ندارد یک پیرمرد ضعیف را ناراحت کند. به نظر من کار درست این است که صبر کنید. این ضایع کردن حق راننده‌های دیگر نیست؛ بلکه احترام گذاشتن به بزرگ‌ترها است.



مسعود

قانون، قانون است! همه در هر سن و سالی باید به آن احترام بگذارند. در این شرایط «حق تقدم» با شما است و آن پیرمرد دارد قانون شکنی می‌کند. شما باید جلوی این کار را بگیرید. باید بوق بزنید و از چهارراه با سرعت رد شوید تا از به وجود آمدن ترافیک‌های سنگین جلوگیری کنید.



اسماعیل

به نظر من احترام به انسانیت از احترام به قانون مهم‌تر است. درست است که این پیرمرد قانون را زیر پا گذاشته؛ اما فراموش نکنید که او توانایی‌های افراد جوان‌تر را ندارد و جوان‌ترها باید به او کمک کنند. شاید او واقعاً چراغ قرمز را ندیده. پس شما باید صبر کنید تا او از چهارراه بگذرد و بعد شما عبور کنید.



عارف

۱. شما با کدام یک از نظرات بالا موافق هستید و با کدام یک مخالف؟
۲. اگر شما در این شرایط باشید، چه کار می‌کنید؟



خواندن



پیش خواندن

در کشور شما چه قوانین متفاوت و خاصی وجود دارد؟ به نظر شما چرا این قانون وضع شده است؟

قوانین عجیب و غریب در کشورهای مختلف



◀ بر اساس قوانین شهر ونیز ایتالیا، غذا دادن به کبوترها ممنوع است. این قانون تا حدودی منطقی به نظر می‌رسد؛ چون کبوترها، عاملان اصلی آلودگی و کثیف شدن ساختمان‌های این شهر به شمار می‌روند. از این رو، غذا دادن به کبوترها ممنوع است و پلیس می‌تواند شما را ۵۰ تا ۶۰ دلار جریمه کند.

◀ در کشورهای دانمارک و جمهوری چک، بر اساس قوانین راهنمایی و رانندگی، رانندگان حتی در روزهای آفتابی نیز باید چراغ‌های ماشین را روشن کنند؛ اگرچه در ابتدا این قانون کمی عجیب به نظر می‌رسد؛ اما با توجه به دلایل آن، آن چنان هم غیرمنطقی نیست. مطالعات نشان داده است هنگامی که راننده‌ها چراغ‌های خودروی خود را روشن می‌کنند، سایر رانندگان حواس خود را به وسایل نقلیه اطراف بیشتر جمع می‌کنند، بدین ترتیب تصادفات کم می‌شود.

در برخی از کشورهای مدرن دنیا قوانینی وجود دارد که ممکن است از نظر مردم عجیب باشد. برخی از این قوانین هنوز هم در این کشورها اجرا می‌شوند.

در هنگام جویدن آدامس آن را به زمین انداخته و به جایی بچسبانند حدود ۱۰۰۰ دلار جریمه خواهند شد. همچنین افراد در خیابان حق خوردن غذا، نوشیدنی و سیگار کشیدن را ندارند و متخلفان باید جریمه نقدی بپردازند. سیگار کشیدن، دوچرخه سواری و موتورسواری در بیشتر قسمت‌های سنگاپور ممنوع است.

◀ در آلمان یکی از جرائم سنگین راهنمایی رانندگی، بنزین تمام کردن در بزرگراه‌ها است؛ بنابراین چنانچه در بزرگراه‌های آلمان بنزین اتومبیلتان تمام شد، منتظر جریمه‌ای ۱۰۰ دلاری باشید. همچنین اگر به این دلیل مجبور شوید از ماشین پیاده شوید و در کنار اتوبان قدم بزنید، ۱۰۰ دلار دیگر نیز جریمه می‌شوید. از این رو به تمام رانندگان توصیه می‌شود قبل از ورود به بزرگراه‌ها، بنزین اتومبیل خود را به دقت چک کنند.

◀ به عنوان مثال رانندگی در شهر مسکو با ماشین کثیف ممنوع است و متخلفین باید ۲۰۰۰ روبل جریمه بپردازند و یا در کشور ژاپن اگر راننده‌ای هنگام عبور با ماشین، آب موجود در جاده را روی عابر پیاده بپاشد، ۶۰ دلار جریمه خواهد شد. چنین قوانینی در بسیاری از کشورهای دنیا قابل مشاهده است.

◀ در کشور سنگاپور جویدن آدامس ممنوع است و شما تنها زمانی می‌توانید آدامس بجوید که پزشک مصرف آن را تجویز کرده باشد؛ بنابراین شما تنها از داروخانه‌ها و با نسخه پزشک می‌توانید آدامس بخرید. افراد برای خرید آدامس از داروخانه حتی با داشتن نسخه باید کارت شناسایی داشته باشند و فروشنده‌ای که در هنگام فروش آدامس این قانون را رعایت نکند، علاوه بر پرداخت جریمه، به دو سال حبس محکوم می‌شود. افراد اگر

تمرین



پاسخ سؤالات زیر را در متن پیدا کنید؛



۱. چگونه می‌توان در سنگاپور آدامس خرید؟
۲. در آلمان اگر بنزین ماشین شما تمام شود و شما در کنار بزرگراه از رانندگان دیگر درخواست کمک کنید، چقدر جریمه می‌شوید؟
۳. چرا در ونیز غذا دادن به پرندگان ممنوع است؟
۴. در دانمارک، دلیل روشن بودن چراغ‌های ماشین در روز چیست؟

با وضع کدام یک از قوانین بالا در کشور خود موافق هستید؟ چرا؟





جمله شرطی ← شرطی ممکن

- جمله شرطی، جمله‌ای است که برای انجام کاری به شرط نیاز دارد. این جمله‌ها دو قسمت دارند:
۱. **شرط** (شرط معمولاً در ابتدای جمله آمده و با واژه «اگر» شروع می‌شود).
 ۲. **جواب شرط**.
- جمله‌های شرطی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

شرطی ناممکن

در درس بعد با شرطی ناممکن آشنا خواهید شد.

شرطی ممکن

شرطی است که احتمال وقوع آن در زمان حال یا آینده وجود دارد.

شرطی ممکن

جواب شرط	شرط
مضارع اخباری/آینده	اگر + مضارع التزامی

اگر تو بیایی، من هم می‌آیم / خواهم آمد.

اگر خوب درس بخوانی، در امتحانات قبول می‌شوی / خواهی شد.

اگر لباس گرم نپوشی، سرما می‌خوری / خواهی خورد.

اگر چتر نیاوری، زیر باران خیس می‌شوی / خواهی شد.

در موارد محدود، گاهی ساخت‌های زیر هم دیده می‌شود:

	جواب شرط	شرط	
اگر تو نمی‌روی، من هم نمی‌روم.	مضارع اخباری	اگر + مضارع اخباری	۱
اگر تو نرفتی، من هم نمی‌روم.	مضارع اخباری	اگر + ماضی ساده	۲

نکته: در زبان فارسی عامیانه گاهی می‌توان جای شرط و جواب شرط را با هم عوض کرد. 

تمرین 

الف

مانند مثال با بخش‌های زیر جمله شرطی بسازید.

مثال: باریدن / چتر آوردن	اگر باران بیارد، من با خودم چتر می‌آورم. / خواهم آورد.
۱	دیر بیدار شدن / تاکسی گرفتن
۲	نیاز داشتن / ایمیل زدن
۳	تلفن نزدن / ناراحت شدن
۴	سفر کردن / زیارت کردن
۵	اجاره کردن / وام گرفتن
۶	بیمار شدن / بیمارستان بردن

ب

در جمله‌های زیر شرط و جواب شرط را بنویسید و ساخت آن از چه نوع فعلی استفاده شده است.

مثال: اگر تو غذا می‌خوری من هم غذا می‌خورم.

شرط: اگر غذا می‌خوری (مضارع اخباری) جواب شرط: من هم غذا می‌خورم (مضارع اخباری)

۱. اگر سر وقت به درخت‌ها آب بدهی، خشک نمی‌شوند.

..... (.....) (.....)

۲. اگر در کشور سنگاپور آدامس بفروشید، به دو سال حبس محکوم خواهید شد.

..... (.....) (.....)

۳. برادرت را هم باید با خودت ببری، اگر با ماشین می‌روی.

..... (.....) (.....)

۴. در ایتالیا ۵۰ دلار جریمه می‌شوید، اگر به کبوترها غذا بدهید.

..... (.....) (.....)

۵. اگر در کشور دانمارک رانندگی می‌کنید، در طول روز هم باید چراغ‌های خودروی خود را روشن کنید.

..... (.....) (.....)

۶. اگر در کتابخانه درس می‌خوانید، باید سکوت را رعایت کنید.

..... (.....) (.....)

۷. باید خیلی بیشتر تلاش کنی، اگر دوست داری موفق باشی.

..... (.....) (.....)

ج

در متن «خواندن» سه جمله شرطی وجود دارد. آن‌ها را پیدا کنید.

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.